

(صفحه 1 متن فرانسه)

شماره 94/00627

پرونده شماره 94/00627 آ

حکم مورخ 21 مارس 1994 (11 فروردین 1373)

دادگاه استان پاریس
شعبه اول دادسرا
احاله پرونده به دادگاه جنائی پاریس
حکم

(شماره 1. 41 صفحه)

که در تاریخ سی و یکم مارس هزار و نهصد و نود و چهار (یازدهم فروردین هزار و سیصد و هفتاد و سه) از سوی شعبه اول دادسرا صادر گشته است.

اصحاب دعوی:

اشخاصی که تحت تعقیب قرار گرفته اند:

1 - مجهول الهویه ای که خود را بنام علی و کیلی راد معرفی میکند
متولد در تاریخ 24 فوریه 1959 (5 اسفند ماه 1337) در تهران (ایران) فرزند امیر و فاطمه سلیمی.
دارای اسامی مستعار:

- موسی کوثر:

متولد 2 دسامبر 1954 (11 آذرماه 1332) در باغچیلر (ترکیه) و

- امیر کمال حسینی:

متولد در سال 1957 (سال 1335 و یا 1336 شمسی) در تهران (ایران)
در بازداشتگاه فلوری مروژیس زندانی است.

قرار بازداشت بین المللی: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370)

بازداشت موقت: 21 اوت 1991 (30 مرداد 1370)

- شرح موارد جرم: ارتکاب قتل، تشکیل گروه جنایتکاران، و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام دسته جمعی که هدف آن بر هم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید یا ایجاد وحشت بوده است.

وکلا مدافع وی عبارتند از:

(صفحه 2 متن فرانسه)

شماره 94/00627

سانسو، وکیل دادگستری، به نشانی: کوچه مادرید، پلاک 7، پاریس (75008)

دفورژ، وکیل دادگستری، به نشانی: خیابان ویکتور هوگو، پلاک 69، پاریس (75116)

دمیدوف، وکیل دادگستری، به نشانی: خیابان هُش، پلاک 9، پاریس (75008)

2 - مسعود هندی

متولد در 26 ماه مه 1947 (5 خرداد 1326) در تهران (ایران)

فرزند یوسف و زهرا علاقبند

در زندان "لاسانته" زندانی است.

تاریخ قرار زندان (صادره از سوی بازپرس): 21 سپتامبر 1991 (20 شهریور 1370)

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل: تشکیل گروه جنایتکاران و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام دسته جمعی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا با ایجاد وحشت بوده است.

وکیل مدافع وی: هرس، وکیل دادگستری، به نشانی: خیابان ژرژ ماندل، پلاک 29، پاریس (75116) است.

3 - زین العابدین سرحدی

متولد در سال 1966 (1344 یا 1345 شمسی) در بیرجند (ایران)

فرزند محمد و لیلا عبدللهی.

در زندان فرن زندانی است.

تاریخ قرار بازداشت بین المللی: 22 دسامبر 1991 (2 دیماه 1370).

تاریخ بازداشت موقت: 23 دسامبر 1991 (2 دیماه 1370).

تاریخ استرداد: 25 مه 1992 (4 خرداد 1371).

تاریخ قرار صادره (از سوی بازپرس): 26 مه 1992 (5 خرداد 1371).

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل ها و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

وکیل مدافع وی: آلبالا، وکیل دادگستری به نشانی: کوچه ری ولی، شماره 120، پاریس (75001).

4 - فریدون بویر احمدی

متولد در 25 مه 1953 (4 خرداد 1332) در کهکیلویه (ایران)

- متواری

آخرین نشانی‌هایی که از محل اقامت وی بدست آمده: کوچه گاو، پلاک شماره 2، رنس و:

کوچه ژان پیر تنبو، شماره مکرر 31 در ایسی له مولینو (92)

محل اقامت کنونی او در دست نیست.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370)

(صفحه 3 متن فرانسه)

شماره 94/00627

- شرح موارد جرم: ارتکاب قتل، تشکیل گروه جنایتکاران و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

5 - مجهول الهویّه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده

متولد 21 مارس 1960 (اول فروردین 1339) در گلپایگان (ایران).

دارای اسامی مستعار:

- علی حیدر کیا:

متولد در 4 ژانویه 1958 (14 دی) 1337 در وارثو (ترکیه) و:

- ناصر نوریان:

متولد در سال 1958 (سال 1337 یا 1336 شمسی) در تهران (ایران)

متواری.

آخرین نشانی شناخته شده وی: هتل پرنانتیا، بولوار دوگربل پلاک 142، 15-75 پاریس.
محل اقامت کنونی او در دست نیست.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370)

- شرح موارد جرم: ارتکاب قتل، تشکیل گروه جنایتکاران و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

6 - حسین شیخ عطار

متولد در 16 نوامبر 1949 (15 آبان 1328) در تهران (ایران)

مقیم ایران - نشانی محل اقامت وی در دست نیست

متواری

تاریخ صدور قرار بازداشت: 22 اکتبر 1991 (30 مهر 1370)

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل. تشکیل گروه جنایتکاران. و نیز ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

7 - مسعود ادیبسوی

متولد در سال 160 (سال 1339 و یا 1338 شمسی) در تبریز (ایران)

فرزند فللمت و فاطمه

که در آپارتمان 7.1 واقع در باغچال ایولر کورک اتو سوقاق گوموش (ترکیه) مقیم بوده است.

متواری

تاریخ صدور قرار بازداشت: 8 سپتامبر 1992 (17 شهریور 1371)

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل: تشکیل گروه جنایتکاران و تخلف در رابطه با

(صفحه 4 متن فرانسه)

شماره 94/00627

یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا با ایجاد وحشت بوده است.

8 - ناصر قاسمی نژاد

متولد در سال 1960 (سال 1339 و یا 1338 شمسی) در آبادان (ایران)

ساکن ایران - نشانی محل اقامت وی در دست نیست.

متواری.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 21 آوریل 1992 (1 اردیبهشت 1372)

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل، تشکیل گروه جنایتکاران، ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

9 - غلامحسین شوریده شیرازی نژاد

متولد در 20 فوریه 1950 (1 اسفند 1328) در آبادان (ایران)

مقیم ایران - نشانی محل اقامت وی در دست نیست.

متواری.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 21 آوریل 1993 (1 اردیبهشت 1372)

- شرح موارد جرم: معاونت در ارتکاب قتل. تشکیل گروه جنایتکاران، ارتکاب تخلف در رابطه با یک اقدام گروهی که هدف آن برهم زدن نظم عمومی بطور شدید بوسیله تهدید و یا ایجاد وحشت بوده است.

شاکیان خصوصی:

1 - شاهین تاج بختیار که شخصاً و نیز به نام فرزند خود، گوردز بختیار، دست به شکایت زده است.

پلاک شماره 5 خیابان لونشان.

92150 سورن

وکالی مدافع وی عبارتند از: - دانه، وکیل دادگستری - شماره 24، کوچه امپر در پاریس (75017) - لومبار، وکیل دادگستری: کوچه تورنون، پلاک 2، پاریس (75006).

2 - گی بختیار

پره فکتور دو پلیس

پلاک شماره 7، بولوار دو پاله

75004 - پاریس.

وکیل مدافع ندارد.

3 - پاتریک بختیار

پلاک شماره 17، خیابان فردینان بویسون

75016 - پاریس

(صفحه 5 متن فرانسه)

شماره 94/00627

وکیل مدافع وی: دوپووی، وکیل دادگستری - پلاک شماره 3 کوچه گونو در پاریس (75017)

4 - فرانس رفیعی، نام شوهر: بختیار

ساکن منزل آقای پاتریک بختیار

پلاک شماره 17، خیابان فردینان بویسون

75016 - پاریس

وکیل مدافع وی: دوپووی، وکیل دادگستری - پلاک شماره 3 کوچه گونو در پاریس (75017)

5 - "اس. او. اس. آتانتا"*

به نمایندگی از طرف این سازمان، فرانسواز رودتسکی رئیس آن

کوچه سنّ دنی، پلاک شماره 253 - 75001 پاریس

وکلای دفاع: - لوی، وکیل دادگستری - شماره 51 خیابان بوژو - پاریس (75116)

- اسپیز، وکیل دادگستری - شماره 51 خیابان بوژو - پاریس (75116)

صورت اسامی اعضای دادگاه بهنگام مذاکرات، اتخاذ تصمیم و صدور حکم.

خانم آنزنی، رئیس

خانم راین، مشاور

آقای کاتنوا، مشاور

هر سه نفر طبق ماده 191 آئین دادرسی کیفر تعیین گشته اند.

منشی دادگاه بهنگام بحث و مذاکره و اعلام حکم: خانم بنیستی

نمایندگی **مقام دادستانی** را در جلسه بحث و مذاکره آقای مارتن، دادیار و بهنگام اعلام رأی آقای بالیت، دادیار، بعهده داشتند.

مذاکرات

در جلسه مورّخ 14 مارس 1994 (23 اسفند 1372) شعبه اول دادسرا:

- خانم آنزنی، رئیس، گزارش تنظیمی خود را قرائت و

- آقای مارتن، دادیار، تقاضاهای خود را به سمع اعضاء حاضر در جلسه رساندند.

(صفحه 6 متن فرانسه)

شماره 94/00627

- بارتلی، وکیل دادگستری به جانشینی "دانه" و "لومبار"، وکلای دادگستری؛ اسپیز و ژان پل لوی، وکلای دفاع شاکیان خصوصی، نظرات خود را بطور اختصار بیان داشتند.

- آلبالا، وکیل مدافع سرحدی، هرس، وکیل مدافع هندی؛ سانسو، دفورژ و دُمیدوف وکلای مدافع وکیلی راد - یعنی وکلای مدافع افرادی که تحت تعقیب قرار گرفته اند - آخرین کسانی بودند که با ابراز تذکرات اجمالی خود، رشته سخن را بدست گرفتند.

دوپوی، وکیل دادگستری، در جلسه حضور نداشت.

تذکار آئین دادرسی

در تاریخ 7 فوریه 1994 (18 بهمن 1372)، بازپرس دادگاه شهرستان پاریس دستور داد که پرونده دادرسی و برگه های مربوط به آن بوسیله دادستان شهرستان به دادستان دادگاه استان منتقل شود.

این دستور، طی نامه های سفارشی مورّخ 7 فوریه 1994 (18 بهمن 1372)، به اطلاع افرادی که تحت تعقیب قرار گرفته اند و نیز به آگاهی شاکیان خصوصی و وکلای ایشان رسید:

- با ارسال نامه های سفارشی مورّخ 4 مارس 1994 (13 اسفند 1372)، به اشخاص تحت تعقیب به نام های فریدون بویر احمدی و محمد آزادی و نیز به شاکیان خصوصی و وکلای ایشان.

- بوسیله رؤسای زندان که بی درنگ رونوشت قبض های وصول (نامه ها) را که در تاریخ 7 مارس (16 اسفند 1371) به امضای مسعود هندی، زین العابدین سرحدی و علی وکیلی راد رسیده است.

* سازمان کمک رسانی فوری به اشخاص و اماکنی که هدف سوء قصد و یا بمب گذاری واقع شده اند (یادداشت مترجم).

- بوسیله دفتر همیاری بین المللی مبارزه (با امور خشونت آمیز) و با ضمانت وزیر دادگستری به مسعود ادیبسوی در ترکیه.

تاریخ تشکیل جلسات دادرسی به نامبردگان در بالا ابلاغ گشته است.

پرونده حاوی کیفرخواست کتبی دادستان دادگاه استان پاریس مورخ 10 مارس 1994 (19 اسفند 1372) به دفتر دادرسی تسلیم گشته و در اختیار وکلای مدافع طرفین دعوی قرار گرفت. مقررات و مهلت قانونی مندرج در ماده 197 آئین نامه دادرسی کیفری مورد رعایت قرار گرفت. طبق مفاد ماده 198 قانون دادرسی کیفری، مرقومه های زیر، پس از رؤیت منشی دادگاه و ارسال به مقام دادستانی در پرونده وارد و به دفتر دادرسی تسلیم گشت.

(صفحه 7 متن فرانسه)

شماره 94/00627

- 11 مارس 1994 (20 سفند 1372) در ساعت 11 و 32 دقیقه صبح بوسیله "لومبار" و "باراتلی" وکلای مدافع خانم شاهین تاج بختیار و فرزند صغیر وی؛

- 11 مارس 1994 (20 سفند 1372) در ساعت 4 و 17 دقیقه بعد از ظهر بوسیله هرس وکیل مسعود هندی؛

- 12 مارس 1994 (21 اسفند 1372) در ساعت 12 و 25 دقیقه بوسیله آلبالا، وکیل سرحدی؛

- 12 مارس 1994 (21 اسفند 1372) در ساعت 2 و 48 دقیقه بعد از ظهر بوسیله سانسو، دفورژ و دمیدوف وکلای دفاع وکیلی راد.

(صفحه 8 متن فرانسه)

شماره 94/00627

تصمیم

بر طبق ماده 200 آئین نامه دادرسی کیفری، تصمیم، پس از انجام شور و مذاکره، اتخاذ گشت.

در زمینه درخواست مربوط به ارجاع پرونده (به دیوان تمیز)

وکیل مدافع سرحدی در یادداشت خود درخواست کرده بود که جریان دادرسی بمدت هشت روز به تعویق افتد ولی در جلسه حضوری وی از تقاضای خود صرفنظر نمود. مشارالیه ضمناً شرح مبسوطی که در آن به جنبه های اساسی و حقوقی پرونده اشاره گشته به دادرسی تسلیم داشته است. بنابراین رعایت حقوق اشخاص ذیحق در دفاع، ارجاع پرونده را به دیوان تمیز ایجاب نمی کند.

درباره درخواست تعلیق رأی:

وکیل مدافع وکیلی راد در یادداشت خود از دادگاه درخواست نموده که به نکات مشروحه زیر عطف توجه گردد:

- در جریان دادرسی، خصوصیات عدل و انصاف به معنایی که در ماده 6 آئین نامه دادگاه اروپائی حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی قید شده مراعات نگشته است.

- رأی صادره تعلیق گردد تا وکیلی راد فرصت کافی داشته باشد مقدمات دفاع خود را فراهم کند.

دادگاه دستور دهد که:

- رونوشتی از تمام اوراق پرونده بازپرسی تهیه و در اختیار وکلای دفاع شخص نامبرده قرار گیرد

و نیز دادگاه مقرر دارد:

- مخارجی که وکلای مدافع تسخیری شخص مورد تعقیب چه در گذشته و چه در آینده در رابطه با پرداخت حق ترجمه بعهدہ گرفته - و خواهند گرفت - با ارائه اسناد مربوطه بعنوان هزینه دادرسی به ایشان تأدیہ شود.
دستور داده شود کہ:

- شرح بازجوییها و تحقیقاتی کہ از وکیلی راد و دیگر متهمان بعمل آمده و همچنین متن قراری کہ از سوی آقای پروگیر بازپرس اول دادسرا در تاریخ 7 فوریه 1994 (18 بهمن 1373) صادر گشته و نیز کیفر خواست قطعی قرار موقوفی تعقیب و مستندات و ضمانتی کہ آقای "ری گروبوله" جانشین دادستان شهرستان ارسال آنرا کتباً از آقای دادستان کل درخواست کرده - و کہ قرار فوق الذکر کلاً به دلایل مذکورہ در آن استناد می جوید - به زبان فارسی ترجمه گردد.

بعد از آنچه کہ گذشت

- یادآوری این نکته شایسته بنظر میرسد کہ لزوم دادرسی مطابق با عدل و انصاف کہ در مادہ 6 قرارداد پیش بینی گشته مربوط به نحوه اقامه دعوی در دادگاه است و نہ مربوط به مرحلہ بازپرسی پروندہ.

(صفحه 9 متن فرانسه)

شماره 94/00627

* وکیل مدافع وکیلی طی نامه مورخ 10 مارس 1994 (19 اسفند 1372) کہ در تاریخ روز جمعه 11 مارس 1994 (20 اسفند 1372)، یعنی سه روز پیش از تشکیل جلسہ دادگاه، وصول گشته، تقاضا نموده است کہ یک رونوشت کامل از اوراق پروندہ در اختیار وی قرار گیرد. با توجه به تعداد 8636 فقرہ نظریہ و یادداشت کہ در پروندہ موجود است ترتیب اثر دادن به چنین تقاضائی کہ از نظر زمانی ہم دیر به دادگاه تسلیم گشته امکان پذیر نمی باشد. و این عدم امکان، حتی بفرض ارجاع بالضرورہ قریب الوقوع پروندہ (به دادگاه تمیز، باز هم صادق است زیرا حکم باید حد اکثر دو ماه بعد از قرار ابلاغ به آقای دادستان شهرستان کہ در تاریخ 7 فوریه 1994 (18 بهمن 1372) صادر گشته است صادر شود.

بعلاوه وکیل مزبور در تمام مراحل بازپرسی به پروندہ دسترسی داشته است و بنا بر این بنظر نمی رسد کہ مشکلات مربوط به تهیه رونوشت اوراق پروندہ به حقوق وی در امر دفاع لطمه وارد کرده باشد. در حقیقت ہم یادداشت ارسالی به شعبہ اول دادسرا و ہم یادداشتهائی کہ در مرحلہ بازپرسی تسلیم گشته نشان می دهد کہ وکیل مزبور از مجموع محتویات پروندہ آگاهی کامل داشته و از اینرو توانسته است دلایل خود را چه در برابر بازپرس و چه در شعبہ اول دادسرا به کرسی بنشاند.

بالاخره شایسته است به ذکر این نکته نیز پردازیم کہ در صورت احالہ پروندہ به دادگاه جنائی، مفاد مواد 279 و 280، صدور رونوشت اوراق پروندہ را به خود اصحاب دعوی و نیز به وکلای مدافع ایشان پیش بینی می کند.

بنابراین در انتظار صدور رونوشت تمام اوراق پروندہ، موردی برای صدور دستور بمنظور ارجاع آن وجود ندارد.

* رسیدگی به تقاضای تأدیہ هزینه ای کہ وکلای مدافع تسخیری از بابت پرداخت حق ترجمه بعهدہ گرفته اند در صلاحیت شعبہ اول دادسرا نیست.

* در زمینه ترجمه اوراق پروندہ با زبان فارسی نیز نمی توان دستوری صادر کرد.

در واقع، از یکسو شخص متهم در کلیہ مراحل بازپرسی کہ طی آن موارد اتهام به آگاهی وی رسیده از وجود یک مترجم بهره گرفته و از سوی دیگر تنها، وکیل فرانسوی زبان وی می تواند در مرحلہ بازپرسی به اوراق پروندہ دسترسی داشته باشد و از آن رونوشتی منحصرأ برای استناد شخصی خویش تهیه کند و حق استنساخ آنرا ندارد (تبصره آخر مادہ 114 آئین نامه دادرسی کیفری).

از این قاعده چنین نتیجه گیری میشود که چون شخص مورد تعقیب در مرحله بارپرسی نمی تواند به اوراق پرونده دسترسی پیدا بکند بالنتیجه ترجمه آنرا نیز نمی تواند در اختیار داشته باشد.

* * *

(صفحه 10 متن فرانسه)

شماره 94/00627

در اصل

در تاریخ 8 اوت 1991 (17 مرداد 1370)، حوالی ساعت 11 و 50 دقیقه صبح، اجساد آقای شاپور بختیار و منشی وی آقای سروش کتبیبه در ویلای واقع در شماره 37 کوچه کلوزره در سورن که نامبردگان در آن اقامت داشتند کشف گردید.

مرگ اشخاص مقتول که 48 ساعت پیش از کشف اجساد ایشان به وقوع پیوسته بود در اثر ضربات بیشمار کارد که خونریزیهای زیادی را سبب گشته بود صورت گرفته بود.

آقای بختیار که از سال 1979 (1358) در فرانسه در حال تبعید بسر می برد و در تاریخ 18 ژوئیه 1980 (27 تیر 1359) نیز مورد سوء قصد قرار گرفته بود زیر حمایت پلیس فرانسه قرار داشت و مأموران فرانسوی بالاخص به امر کنترل ورود و خروج اشخاصی که به دیدار وی می رفتند می پرداختند.

در این شرایط بود که بلافاصله بعد از کشف دو فقره قتل، سه تن اشخاصی که آخرین دیدارکنندگان اشخاص مقتول بودند مورد سوء ظن قرار گرفتند: فریدون بویراحمدی، محمد آزادی، علی وکیلی راد که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در ساعت 5 بعد از ظهر در ویلا حضور یافته و یک ساعت بعد از آنجا خارج گشته بودند. از این سه نفر دیگر اثری دیده نشده بود. تا اینکه فقط وکیلی راد در تاریخ 21 اوت 1991 (30 خرداد 1370) در ژنو بازداشت گردید.

در طی بازجویی معلوم گشت که سه نفر مزبور بعد از ارتکاب جرم با اتومبیل بی. ام. و. بویر احمدی از محل دور شده و لباسهای خود را که برخی از آنها با لکه های خون آغشته بود از تن شان در آورده و در "بوادوبولونی" توی آشغالدانی انداخته بودند. در حالیکه بویر احمدی در پاریس مانده بود، وکیلی راد و آزادی همانروز در صدد ترک خاک فرانسه بر آمده و به کشور سوئیس رفته بودند. هر سه تن از یاری همدستانی که نحوه عملکردشان از ماه ژوئن 1991 (دو دهه دوم خرداد - دهه اول تیر 1370) طرح ریزی گشته بود بهره گرفته بودند. طرح مزبور به ترتیبی است که در سطور پائین بدان اشاره می شود.

طرز وقوع رویدادها

برنامه ورود وکیلی راد و آزادی به خاک فرانسه از چندین ماه پیش تنظیم گشته بود:

آزادی که قبلاً گذرنامه ای بهمین نام در دست داشته، در تاریخ 29 مه 1991 (8 خرداد 1370)،

(صفحه 11 متن فرانسه)

شماره 94/00627

گذرنامه دیگری به اسم ناصر نوریان می گیرد. در حالیکه وکیلی نیز همانروز گذرنامه ای به نام کمال حسینی دریافت می کند.

در تاریخ 13 ژوئن 1991 (23 خرداد 1370) فریدون بویر احمدی برای این دو نفر دو گواهی نامه محل اقامت در منزل دوست دختر خود ماریزمیشل در شهر رنس می گیرد.

در روزهای 23 و 26 ژوئن 1991 (2 و 5 تیرماه 1370) وکیل راد و آزادی از سفارت فرانسه در تهران تقاضای صدور ویزا به اسامی ناصر نوریان و امیر کمال حسینی می کنند. ایشان در تقاضاهای تسلیمی به سفارت فرانسه، مسافرت خود را یک سفر تجارتي به حساب شرکتی به نام سیفاکس وانمود کرده و توضیح داده بودند که هدف از این سفر دادو ستد وسایل الکترونیکی برای ایران بوده است. مسعود هندی، کارمند تجارتي این شرکت، در اخذ ویزاها که در تاریخ 2 ژوئیه 1991 (11 تیرماه 1370) صادر گشته نقش قاطعی داشته است.

وی اظهار داشته که بنا به درخواست دوست دیرین خود آقای شیخ عطار، مدیر طرح ماهواره وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران، دست به کار گشته است.

بنا بر اظهاراتی که جمع آوری شده است، بویر احمدی نیز از ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد - دهه اول تیر 1370) در انتظار ورود دو دوست خود به فرانسه بوده است. وی ضمناً مسافرت‌هایی نیز به اتریش، آلمان و در 5 ژوئیه 1991 (14 تیر 1370) به ترکیه بمنظور ملاقات دوستان خود و یا برای کسب اطلاعاتی درباره ورود آنها انجام داده است.

سرانجام، تاریخ ورود آن دو نفر به تعویق میافتد: زیرا به احتمال زیاد همدستانی که قرار بود، بعد از انجام عمل، در ژنو دست به کار شوند نتوانسته بودند ویزای خود را در آخر ژوئیه (دهه اول مرداد) یا اوایل ماه اوت (دهه دوم مرداد) بدست آورند. در تاریخ 17 ژوئیه 1991 (26 تیرماه 1370) دو درخواست جدید بمنظور اخذ ویزا به سفارت فرانسه تسلیم می کنند. این بار، به دنبال درخواست های مزبور، دو ویزا در تاریخ 26 ژوئیه (4 تیرماه) به اسامی وکیل راد و آزادی صادر می گردد. در پرونده مربوطه علت مسافرت دیدار دوستانه از بویر احمدی مقیم شهر رنس قید گشته است.

در 25 ژوئیه 1991 (3 تیرماه 1370) وکیل با نام مجعول ناصری از تهران، بوسیله تلفن، مبادرت به اجاره استودیویی از تاریخ 3 اوت 1991 (11 مرداد 1370) واقع در شماره 36 "آونو دینالی" در پاریس سیزدهم می نماید.

در 27 ژوئیه (5 تیرماه 1370) بویر احمدی در یک نشست سیاسی در منزل شاپور بختیار شرکت کرده بود.

در روز 30 ژوئیه (8 مرداد 1370) وکیل و آزادی وارد فرودگاه اورلی گشته و مورد استقبال بویراحمدی قرار می گیرند. وی ایشانرا به هتل پرنانیا واقع در شماره 142 "بولوارگره نل" راهنمایی کرده و برای ایشان اطاقی در هتل یاد شده می گیرد. نامبردگان تا صبح روز 6 اوت (15 مرداد) در آن هتل اقامت داشته اند.

(صفحه 12 متن فرانسه)

شماره 94/00627

روز دوم ماه اوت 1991 (11 مرداد 1370) کلیدهای استودیو واقع در شماره 36 "آونو دینالی" در اختیار وکیل - که نام ناصری بر خود نهاده بود - قرار می گیرد. جا دارد در اینجا به این نکته هم اشاره گردد که خود وی در استودیوی مزبور سکونت نکرده و این مسکن در واقع بعد از انجام عمل بعنوان مخفی گاهی برای بویر احمدی بکار رفته است.

در روز 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) بویر احمدی که ریش خود را تراشیده بود در هتل "پرنانیا" به سراغ آن دو میآید.

صبح همانروز همین شخص، در مورد امکان کرایه یک "اتومبیل بزرگ سریع السیر" از شرکتی که به این کار میپردازد کسب اطلاع می نماید ولی چون مسئول شرکت فوتوکپی گواهینامه راندگی اش را می خواهد مشارالیه از این کار صرفنظر می نماید.

بنابراین ساعت 5 بعد از ظهر همانروز این سه نفر به ویلای آقای شاپور بختیار رفته و حوالی ساعت 6 بعد از ظهر از آنجا خارج می گردند.

بویر احمدی، بلافاصله بعد از ارتکاب جرم، در پاریس مخفی می‌گردد؛ در حالیکه دو همدست وی بسوی کشور سوئیس فرار می‌کنند.

بویر احمدی، ابتدا در استودیو واقع در شماره 36 "آونو دیتالی" و سپس، بعد از 16 اوت (24 مرداد)، در آپارتمان واقع در شماره 1/3 کوچه سن شارل اقامت کرده و بعد ناپدید می‌گردد.

در همان اوان دو شخص متواری، اوقات خود را بنحوی که در سطور زیر می‌آید سپری کرده اند:

دو نفر مزبور، با دو گذرنامه ترک به اسامی موسی کوثر و علی حیدر کیا که در ایران پیش از حرکت شان شخصی به نام بیژن در اختیارشان گذاشته بوده سوار قطاری می‌گردند که قرار بود به سوی شهر لیون - پراش حرکت کند. سپس با تاکسی رهسپار آنسی گشته و در تاریخ 7 ماه اوت (16 مرداد) ساعت 2 بعد از نصف شب به این شهر وارد می‌گردند.

آن دو، صبح روز 7 سعی می‌کنند خود را به ژنو برسانند ولی در مرز، بعد از ارائه گذرنامه های ترک که مهر ویزای جعلی هم روی آن خورده بود، از ورود آنان جلوگیری می‌شود.

اشخاص مذکور، بعد از مراجعت به فرانسه، در هتل‌های مختلف بسر برده و به ویژه تا تاریخ 11 اوت 1991 (20 مرداد 1370) در والانس در "هتل دو فرانس" و سپس در "هتل دولست" اقامت کرده اند.

بنا بر اقرار و کیلی، آنان در روز 12 اوت 1991 (21 مرداد 1370)، احتمالاً با استفاده از اتوبوس، موفق به عبور از مرز گشته و خود را به شهر ژنو می‌رسانند.

* * *

(صفحه 13 متن فرانسه)

شماره 94/00627

در تمام طول ایت مدت، به موازات اقداماتی که در ایران و فرانسه بمنظور تهیه مقدمات و ارتکاب جنایت و نیز فرار دادن عاملان آن صورت می‌گرفت معلوم گشته است که چندین نفر ایرانی نیز در اسلامبول دست اندر کار کمک فعالانه ای در این زمینه بوده اند. هویت یکی از این افراد به نام مسعود ادیبسوی که تابعیت کشور ترکیه را هم پذیرفته است مشخص گشته است.

در طی بازجویی معلوم گشته که دو گذرنامه ترک با ویزاهای جعلی را دو نفر قاچاقچی مواد مخدره به نام های قهرمان و آیدین در اختیار ادیبسوی قرار داده اند.

دو ایرانی (به نام های نورانی و مهدی) از ماه آوریل 1991 (فروردین - اردیبهشت 1370)، با ادیبسوی تماس گرفته بودند تا وی آپارتمانی در اختیار دو نفر به نام های بیژن اسفندیاری و منوچهر شیبانی فر قرار دهد. اشخاص مزبور تا تاریخ 20 اوت 1991 (29 مرداد 1370) در آن آپارتمان بسر برده اند.

دو گذرنامه جعلی به نام کیا و کوثر را که مورد استفاده و کیلی راد و آزادی قرار گرفته، ادیبسوی در اختیار شیبانی فر گذاشته بوده است.

وانگهی، اشخاصی که در جنایت انجام یافته در فرانسه دست داشته اند به کرات پیش از ارتکاب جنایت، بهنگام عمل جنایت و بعد از آن با آپارتمان ادیبسوی و منزل اسفندیاری و شیبانی فر تماس تلفنی داشته اند.

تماسهای تلفنی مزبور از این قرار بوده است:

پیش از ارتکاب عمل، به ویژه در تاریخ اول اوت 1991 (10 مرداد 1370) از منزل بویر احمدی در "ایسی له مولینو" و نیز از کابین تلفن مجاور هتل "پرنانیا" به اسفندیاری تلفن می‌شود.

روز ارتکاب عمل، روز 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) دوبار، حوالی ساعت 4 و 45 دقیقه بعد از ظهر از کابین تلفن مجاور منزل شخص مقتول.

پس از ارتکاب، روز 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) آزادی یا وکیلی از ایستگاه راه آهن "لیون - پراش".

روزهای بعد، در تمام مدتی که دو نفر مزبور متواری بوده اند تماسهای تلفنی از شهرهای آنسی، آنماس صورت گرفته و بعد از رانده شدنشان از مرز، حدود ده بار از شهرستان والانس تلفن کرده اند.

و نیز از هتل های شهر ژنو که آزادی به دستگیری همدستان دیگر به ترتیب در آنها پناه جسته بودند با این دو تلفن در ترکیه تماس حاصل شده است.

بعلاوه معلوم گشته است که دو آپارتمان واقع در شهر اسلامبول محل ملاقات سه فرد متواری و اشخاصی که از ایران عازم آن شهر گشته بودند قرار گرفته است.

(صفحه 14 متن فرانسه)

شماره 94/00627

از اینرو، از بین شماره های تلفن مربوط به ایران که از دو آپارتمان مذکور به آنها تماس حاصل گشته است جا دارد به تماسهای تلفنی زیر اشاره شود:

- با شماره ای که وکیلی راد بعد از دستگیری در اختیار داشت و که با شماره تلفن نزدیکان وی تطبیق می نماید در بین روزهای 28 ژوئن (7 تیر) و 2 ژوئیه 1991 (11 تیر 1370) 7 بار تماس حاصل شده است.

- هم از ترکیه و هم از مساکن و مخفی گاههای اشخاص متواری و همدستانشان با چندین شماره تلفن در ایران تماس حاصل گشته است.

از مطالب یاد شده در بالا نتیجه گیری می شود که ساکنان این دو آپارتمان، که از میان آنان تنها هویت ادیبسوی بطور صریح مشخص گشته است، در تهیه مقدمات و انجام عملیات جنایت و قرار عاملان آن سهم فعالی داشته اند.

* * *

وکیلی و آزادی پس از رسیدن به شهر ژنو از هم جدا گشته اند.

وکیلی دو شب یعنی تا 14 اوت (23 مرداد) را در اطاقی که در هتل ویندسور گرفته بود گذرانده است. وی در روز 21 اوت (20 مرداد) دستگیر گشته و ضمن اعترافات خود اظهار داشته است که گذرنامه ترک خود را که جعلی بوده در تاریخ 13 اوت (22 مرداد) به یک ایرانی به نام بیژن اکبری سپرده و این شخص در عوض به وی وعده داده ه فردای آنروز گذرنامه دیگری در اختیار او بگذارد. ولی چون این قرار به انجام نرسیده وکیلی تا روز دستگیری سرگردان بوده است.

*

آزادی که کمک افرادی به نام ناصر قاسمی نژاد و زین العابدین سرحدی - در شرایطی که در سطور پائین به آن اشاره می شود - برخوردار گشته، وضع دیگری داشته است.

آزادی در روز 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370)، در هتل "اتوال" که قاسمی نژاد از تاریخ 9 اوت (18 مرداد) در آن اقامت داشت اطاقی اجاره کرده است.

جا دارد در اینجا به این نکته اشاره گردد که شخص اخیرالذکر ویزای خود را با استفاده از روشهایی که هندی در ماه ژوئن 1991 (خرداد - تیر 1370) با توسل به آن از حُسن نیت اولیای شرکت سیفاکس سوء استفاده کرده بود بدست آورده است.

در واقع شخصی به نام حسن شوریده از آقای "سیگریست"، سرپرست شرکت کوماترا در شهر ژنو، خواهش کرده بود با ارسال دو تلکس دعوت به اسم دو نفر که نام یکی از آنها قاسمی نژاد است از سوی شرکت به سفارت سویس در تهران، خدمتی در حق وی انجام دهد. تلکس ها در تاریخ 27

ژوئن 1991 (6 تیر 1370) به ایران مخابره گشته و قاسمی نژاد ویزای با اعتبار 15 روزه خود را در تاریخ 7 اوت 1991 (16 مرداد 1370) دریافت داشته است.

(صفحه 15 متن فرانسه)

شماره 94/00627

وی از 9 تا 13 اوت (18 تا 22 مرداد) بطور انفرادی در هتل ایتال اقامت نموده و پس از آنکه آزادی در روز 13 اوت (22 مرداد) در آنجا به وی ملحق گشته، دو نفری اطاقی در هتل ژان ژاک روسو اجاره نموده اند.

در طی همین مدت، در روزهای 9 و 13 اوت (18 و 22 مرداد) دو تماس تلفنی از آپارتمان ادیبسوی در اسلامبول به هتل "ایتال" صورت گرفته و دو تماس تلفنی دیگر نیز در روزهای 14 و 15 اوت (23 و 24 مرداد) از همان آپارتمان به هتل ژان ژاک روسو بعمل آمده است. ظاهراً برنامه رفتن قاسمی نژاد به ژنو - که در تنظیم آن از کشور ترکیه نیز بعنوان محل ارتباط استفاده گشته - به این سبب پیاده شده که نامبرده در امر متواری شدن آزادی به او یاری دهد.

بعلاوه بازجویی معلوم داشته است که: اطاقی که در آن آزادی به اتفاق قاسمی نژاد - منتها به اسم حمید رزاق - و به نشانی "شماره 416 خیابان نیروی هوایی"، در آن اقامت کرده بوسیله شخصی زررو گشته، که هویتش مشخص نشده است.

آزادی و قاسمی نژاد در تاریخ 15 اوت (24 مرداد) این هتل را بکلی ترک کرده اند.

از این مطالب نتیجه گیری می شود که آزادی در شهر ژنو با اتباع ایرانی ملاقات نموده و این افراد، طبق نقشه ای که از مدت مدیدی پیش تنظیم گشته، وسایل فرار او را فراهم کرده اند.

این استنباط را مشخصات هتل والانس که در هتل ژان ژاک روسو - محل اقامت و کیلی و آزادی در روزهای بین 8 تا 11 اوت (17 تا 20 مرداد) - بدست آمده تأیید می کند. مشخصات مزبور در روی کارت متعلق به هتل "ایتال" که قاسمی نژاد در آن سکونت کرده یادداشت شده است.

تماسهای تلفنی نیز که بطور متوالی از منزل ادیبسوی در ترکیه با دو هتلی که دو شخص مذکور در آن اقامت داشته اند بعمل آمده استنباط مزبور را تأیید می نماید.

*

در طی همان مدت، شخصی موسوم به سرحدی نیز، در شرایط زیر در ژنو دست بکار گشته است: سرحدی که گذرنامه صادره در تاریخ 24 ژوئیه 1991 (2 مرداد 1370) را در دست داشته، بمنظور اقامت سه ماهه در برن تقاضای بمنظور صدور ویزا از تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) کرده است.

ویزا در تاریخ 20 ژوئیه (8 مرداد 1370) صادر گشته است.

سرحدی را کسی در برن ندیده ولی وی در تاریخ 13 ماه اوت (22 مرداد) به هتل "برنینا" در ژنو مراجعه نموده و در روی فیشی که در هتل یاد شده پُر نموده نشانی: "تهران، شماره 416

(صفحه 16 متن فرانسه)

شماره 94/00627

خیابان نیروی هوایی" درج گشته است. این نشانی همان است که در روی فیش هتل روسو مربوط به همانروز به نام رزاق (که نام دیگری آزادی است) مندرج است.

در روزهای 13 و 14 اوت (22 و 23 مرداد) از آپارتمان ادیبسوی در اسلامبول به هتل "برنینا" که سرحدی در آن اقامت داشته تلفن می شود و در 14 اوت (23 مرداد) هم از اطاق سرحدی با هتل ژان ژاک روسو که قاسمی نژاد و آزادی در آن سکونت داشته اند تماس تلفنی حاصل می گردد.

در 15 اوت (24 مرداد) سرحدی هتل "برنینا" را ترک کرده و به هتل "پوپ" می رود. وی تا روز 17 اوت (26 مرداد) در این هتل بسر میبرد و بعد هم رتس گم می شود.

هدف از مسافرت سرحدی علناً این بوده است که در سازماندهی فرار آزادی شرکت نماید. وی در سپتامبر 1991 (12 شهریور) با یک گذرنامه و ویزای جدید وارد تهران گشته و سپس بمنظور اقامت و کار در سفارت ایران، رهسپار برن می گردد تا اینکه در 23 دسامبر 1991 (2 دی 1370) در این شهر دستگیر می شود.

* * *

از آنچه گذشت چنین نتیجه گرفته می شود که اقدامات لازم بمنظور تسهیل ورود آدم کشان به فرانسه و نیز همدستان ایشان به کشور سوئیس برای فرار دادن آنها در طی ماههای مه، ژوئن و ژوئیه 1991 (اردیبهشت، خرداد و تیر 1370) صورت گرفته است.

در واقع، در همان هنگام، اقدامات مشابهی نیز، از یکسو، از طرف مسعود هندی نزد شرکت سیفاکس بعمل آمده تا وسایل ورود و کیلی و آزادی به فرانسه فراهم گردد. از سوی دیگر شوریده در شرکت بارتن دست بکار شده تا وسیله ورود قاسمی نژاد را به کشور سوئیس - که نامبرده تا تاریخ 9 اوت (18 مرداد) یعنی سه روز بعد از انجام عمل در آنجا بسر برده است - فراهم نماید.

بالاخره در تاریخ 30 ژوئیه 1991 (8 مرداد 1370) سرحدی موفق به اخذ ویزای اقامت خود در کشور سوئیس - به بهانه اینکه مأموریتی در سفارت ایران در برن دارد - می گردد.

صرفنظر از معاونت در جرم که در رابطه مستقیم با ارتکاب دو فقره قتل صورت گرفته، با این ترتیب مسلم گشته که در کشورهای ایران، ترکیه، سوئیس و فرانسه گروه جنایتکارانی تشکیل یافته که هدفش ارتکاب جرائم و جنایات بر علیه اعضاء سازمان "ن. م. ا." (نهضت مقاومت ملی ایران)، منجمله شاپور

(صفحه 17 متن فرانسه)

شماره 94/00627

بختیار بوده است.

در این رابطه باید متذکر شد که تشکیل گروه جنایتکاران، که از چگونگی آن در ماده 265 قانون دادرسی کیفری سابق و ماده 450/1 آئین نامه جدید دادرسی کیفر سخن بمیان آمده، هم از نظر ارتکاب جرائمی که بدست اعضاء گروه بر علیه اشخاص صورت گرفته تخلف متمایزی است و هم بخاطر وجود برخی عوامل که آنرا از قوه به فعل در آورده است.

2/ مسئولیت ها

آ - وکیلی راد

وکیل وکیلی راد در یادداشت خود ابراز داشته که موارد جرمی که بر علیه موکل وی عنوان گشته کافی نیست و تقاضای صدور حکم منع تعقیب را کرده است.

از مطالعه پرونده مطالب مندرجه در زیر بدست میآید:

از بین سه تن عاملان دو فقره قتل فقط وکیلی راد دستگیر گشته است.

نامبرده شرکت خود را در این جنایات انکار کرده و توضیحات زیر را در رابطه با آنچه اتفاق افتاده داده است:

وی که از طرفداران اهداف مورد دفاع نهضت مقاومت ملی ایران (ن. م. ا.) به رهبری شاپور بختیار بوده بوسیله دو نفر به اسامی بیژن اکبری و حسین کها طاهری استخدام می شود که به اتفاق آزادی به فرانسه بیاید و طرح تخریب پالایشگاه شهر شیراز را به بختیار پیشنهاد نماید.

شخصی به نام بیژن، که امکان تماس با او در ترکیه وجود داشته، گذرنامه، بلیط هواپیما، پول و لباس مخصوص (یک دست کت و شلوار و کراوات مشکی بمناسبت قتل آقای برومند یکی از مسئولان "ن. م. ا.") در اختیار او میگذارد.

بویر احمدی، که بهنگام ورود آن دو به فرانسه به استقبال ایشان رفته، روز پیش از ماجرا به ایشان اطلاع می دهد که در واقع میباید بختیار را از بین ببرند.

وکیلی اظهار داشته که وی به این ترتیب در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و مخصوصاً بسبب تهدیدهایی که نسبت به خود او و خانواده اش اعمال می شد دیگر نمی توانست عقب نشینی نماید.

(صفحه 18 متن فرانسه)

شماره 94/00627

بنابراین هر سه نفر به منزل بختیار رفته اند. وکیلی اظهار داشته که در آنجا شاهد وقوع دو فقره جنایت در شرایط زیر بوده است:

در حالیکه وی نقشه طرح را روی میز پایه کوتاه گسترده بود و بختیار داشت بمنظور رؤیت نقشه به آن نزدیک می گشت، آزادی از پشت به او حمله کرده و در حالیکه داشت خفه اش می کرد وی را بزمین می زند. بویر احمدی نیز ابتدا با دست خالی به خفه کردن سروش کتیبه پرداخته و بعد بوسیله کاردی که از آشپرخانه برداشته بود به وی حمله می کند.

پیش از ترک محل، وکیلی به پاک کردن میز و آن دو نفر دیگر به ازاله آثار خون از لباسهای خود پرداخته بودند.

سپس وکیلی از جریان فرار خویش و همراهانش و نیز مسافرتهایی که پیش از دستگیری خود انجام داده شرحی بیان داشته که در مجموع با مطالب موجود در پرونده مطابقت دارد.

در زمینه نقش وی در ارتکاب جرائم، ذکر نکات زیر شایسته بنظر می رسد:

وکیلی گر چه نسبت به این مطلب اعتراض دارد ولی با این وجود معلوم گشته است که از اواسط ماه ژوئن 91 (اواخر خرداد 70) اقداماتی صورت گرفته بود که برای او بنام مجعول کمال حسینی ویزا گرفته شود. وی از این موضوع بی اطلاع نبوده است به دلیل اینکه هندی، واسطه وی، اقرار نموده است که او را با آزادی در مرکز شرکت تلویزیون ایران (ایریب) ملاقات کرده و به اتفاق ایشان بمنظور پُر کردن اوراق مخصوص درخواست ویزا به سفارت رفته است.

وانگهی کارشناسان عکس های کمال حسینی و وکیلی را در با هم مقایسه نموده و صریحاً اظهار داشته اند که هر دو عکس متعلق به یک نفر است.

در واقع، گرچه وکیلی بالاخص پای کسی به نام بیژن اکبری را بمیان می کشد ولی معلوم گشته که وی به وساطت شیخ عطار که در وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران دارای مسئولیتی است بکار گرفته شده است، و بنا بر این اگر دیدار او با شاپور بختیار در فرانسه فقط جنبه دوستانه داشته دیگر چه لزومی داشت که گذرنامه ها و ویزاهای جعلی گرفته شود؟

از سوی دیگر بعید بنظر می رسد که سازمان دهندگان قتل برای انجام چنان مأموریتی، کسی را که از هواداران بختیار بوده به فرانسه اعزام دارند زیرا حضور غیر فعال و حتی خصمانه وی در اجرای طرح، نمی توانست هیچگونه سودی در بر داشته باشد.

در حقیقت با توجه به سرعتی که دو شخص مقتول، پیش از لت و پاره گشتن شان با ضربات متعدد کارد خنثی گشته و با دستهای برهنه قاتلان خود خفه شده اند،

وجود آثار خون در نشیمنگاههایی که وکیلی و آزادی در اتومبیل بویر احمدی داشته اند و نیز عطف توجه به این نکته که هر سه نفر، بلافاصله بعد از متواری شدنشان، لباسهای خود را عوض کرده اند تمام اینها قراین و شواهدی است که دال بر شرکت این سه نفر در دو فقره قتل می باشد.

بعلاوه ذکر این نکته نیز شایسته بنظر می رسد که وکیلی با اعضاء گروه جنایتکار، به ویژه ادیبسوی که در ترکیه مستقر گشته بوده اند ارتباط پی گیر داشته است. در واقع، او نه تنها بعد از انجام عمل و بهنگام متواری بودن خود با آنها تماس گرفته، بلکه در جریان بازجویی معلوم گشته است که سلول متمرکز در ترکیه هفت بار در فاصله زمانی بین **28 ژوئن و 21 ژوئیه 1991 (7 تا 30 تیر 1370)** با خط تلفنی وکیلی در تهران، که نامبرده شماره آنرا در سلول با خود داشته و به یک زندانی دیگر داده است، تماس حاصل نموده است.

بالاخره گرچه وکیلی ادعا می کند که هوادار "نهضت ملی مقاومت ایران" است، با توجه به استشادهائی که جمع آوری گشته - به ویژه استشهاد نوروزی - معلوم می گردد که نام حقیقی وی کوثری است و یکی از اعضاء مهم وزارت اطلاعات می باشد و قبلاً هم در اداره امنیت داخلی پاسداران بکار مشغول بوده است.

* * *

ب - محمد آزادی که دارای اسامی کیا و ناصر نوریان نیز میباشد.

آزادی متواری است و یک قرار بازداشت بین المللی در تاریخ 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370) بر علیه او صادر گشته است.

همانگونه که در سطور بالا اشاره گشت، نامبرده برای آخرین بار در هتل ژان ژاک روسو در ژنو دیده شده است. وی قبل از اینکه بکلی ناپدید گردد از تاریخ 13 تا 15 اوت 1991 (2 شهریور 1370) به اتفاق قاسمی نژاد در این هتل اقامت نموده است.

موارد جرمی که به او نسبت داده می شود همانهایی است که در مورد وکیلی عنوان گشت.

بنا بر استشهاد آقای علوی دبیر بین المللی مجاهدین خلق، آزادی از تاریخ 24 اوت 1991 (2 شهریور 1370) به سفارت ایران در برن پناهنده شده است. آزادی نام حقیقی اوست. وی در اصل افسر عالی رتبه "اطلاعات" سپاه پاسداران بوده و سپس با انتقال به دایره نیروهای "قدس"، انجام عملیات تروریستی و یا بنیادگرایی را در خارج از خاک ایران بعهده گرفته است.

وکیلی نیز که عضو نیروهای "قدس" می باشد تحت او امر آزادی بوده است.

پ - فریدون بویر احمدی

بویر احمدی که مدت چندین سالست به فرانسه مهاجرت نموده پیش از وقوع جرائم به اتفاق پسر عموی خود طاهری در شماره 31 کوچه ژان پیر تنبو در ایسی له مولینو سکونت داشته. وی در شهر رنس هم در منزل دوست دختر خود به نام ماریز میشل بسر برده است. نامبرده در صبح روز 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) ناپدید گشته. پسر عموی وی متوجه گشته بود که او ریش خود را زده است.

بنا بر استشادهائی که بعمل آمده وی یکی از افراد خانواده ای است که دارای 600 نفر عضو می باشد. پدر نامبرده به دلایل سیاسی بدست عموی او بقتل رسیده است.

موضع بویر احمدی نسبت به رژیم حاکم در ایران بسیار معلق بنظر می رسد.

زیرا بوییر احمدی از یکسو یکی از نزدیکان شاپور بختیار بشمار می رفت. وانگهی نامبرده در یک نشست سیاسی که در تاریخ 27 ژوئیه 1991 (5 تیر 1370) - یعنی درست در همان موقع که قرار بود "دوستان" اش از ایران بیایند - شرکت کرده بود. وی در همان روز پی برده بود که زن و مردی که امور سرایداری و خدمتگزاری خانه را بعهده داشتند به مرخصی رفته اند و البته غیبت آنها موجبات تسهیل انجام طرح را فراهم می ساخت.

وانگهی بسیاری از مردم عقیده داشتند که بوییر احمدی شخص طرف اطمینان نیست. این سوء ظن نیز نسبت به وی وجود داشت که او به سبب همکاری با سازمانهای جاسوسی ایران می تواند آزادانه به ایران رفت و آمد نماید. انگیزه اصلی وی هم پول پرستی و جاه طلبی ذاتی بوده است.

بنا بر اظهار برخی از شهود، بخش عمده عشایر بوییر احمدی که در سازمان نهضت ملی مقاومت ایران عضویت دارند مقیم شهر اسلامبول هستند و در آنجا بر علیه رژیم ایران دست به شورش نیز زده اند. بوییر احمدی بدستگیری عمال سازمانهای ویژه ترکیه که بوسیله ایرانیها تطمیع گشته بوده اند بصورت مأمور مخفی در سازمان مزبور نفوذ کرده بوده است.

موارد اتهام بوییر احمدی در رابطه با شرکت وی در ارتکاب دو فقره قتل، بنحوی که در بالا شرح داده شد هم از مقدماتی که نامبرده در ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد - دهه اول تیر 1370) بمنظور پذیرائی و کیلی و آزادی فراهم کرده بود ناشی می گردد و هم از حضور او در محل، بهنگام ارتکاب جنایت و بالاخره با توجه به شرایط متواری شدنش.

بالنتیجه، با توجه به آنچه در سطور بالا گذشت قراین جدی بر علیه سه شخص مزبور در دست است که نشان می دهد نامبردگان در تشکیل گروه جنایتکاران و ارتکاب دو فقره قتل شرکت داشته اند.

* * *

(صفحه 21 متن فرانسه)

شماره 94/00627

ت - مسعود ادیبسوی

ادیبسوی و نیز دو شخص جاعل به اسامی قهرمان و آبدین در ترکیه مورد بازجویی قرار گرفته و پیش از آنکه مأموران فرانسوی فرصتی داشته باشند که از نامبرده سئوالاتی بکنند در تاریخ 6 سپتامبر 1991 (15 شهریور 1370) از سوی مقامات دولتی ترکیه آزاد می گردد.

در تاریخ 15 مه 1992 (25 اردیبهشت 1371)، بر علیه نامبرده یک قرار بازداشت بین المللی صادر گشته است.

معلوم گشته است که وی در ماه ژوئن 1991 (خرداد - تیر 1370) دو گذرنامه به اسامی موسی کوثر و علی کیا، که آزادی و کیلی پس از ارتکاب جرائم از آن استفاده نموده اند، در اختیار این دو قرار داده است.

بعلاوه نامبرده از ماه آوریل 1991 (دو دهه آخر فروردین - دهه اول اردیبهشت 1370)، در نیمه دوم اوت 1991 (اواخر مرداد - اوایل شهریور 1370) و نیز پس از ناپدید گشتن آزادی و بوییر احمدی، با عاملان مستقیم دو قتل و همدستان ایشان تماس تلفنی مداوم داشته است.

شایسته است این نکته نیز ذکر گردد که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) یک ربع ساعت پیش از آنکه دو شخص نامبرده به ویلای شاپور بختیار قدم بگذارند دوبار به او تلفن شده است.

موارد جرمی که به نامبرده تعلق می گیرد هم به معاونت وی در تهیه گذرنامه های جعلی مربوط می گردد و هم با موضوع شرکت او - با توجه به تماسهایی که انجام آن به اثبات رسیده - در تشکیل گروه جنایتکاران.

* * *

ث - حسین شیخ عطار

معلوم گشته است که شیخ عطار، که از ده سال پیش مدیریت دفتر ماهواره ها در وزارت مخابرات را بعهده داشته، عامل اصلی طرح ترفندی بوده که هدف آن اعزام و کیلی و آزادی به فرانسه در چهارچوب نقشه جنایتکارانه بوده است.

گرچه شرکت های طرف رجوع معمولی شیخ عطار شرکت های "ماترا - اسپاس" و "آلکاتیل" بوده اند، با این وجود نامبرده ترجیح داده است که بوسیله هندی از وجود شرکت گمنامی به اسم سیفاکس در اخذ ویزا برای دو جنایتکار استفاده نماید.

بعد از بازداشت هندی، وقتیکه زن و سپس برادر نامبرده از شیخ عطار توضیح خواسته اند این شخص تنها به دادن این جواب که:

(صفحه 22 متن فرانسه)

شماره 94/00627

" به حساب یک فرد ثالث دست بکار گشته" اکتفا کرده و از افشای نام وی امتناع نموده است. بعلاوه شمارش تماسهای تلفنی که از آپارتمان ادیبسوی در ترکیه با ایران صورت گرفته نشان می دهد که در روزهای 11، 12، 13، 14 و 15 اوت (20، 21، 22، 23 و 24 مرداد) به وزارت مخابرات ایران تلفن شده است.

این اطلاعات، قراین جدی بر علیه شیخ عطار که در بطن وزارت ارتباطات مبادرت به توطئه چینی کرده بدست می دهد. توطئه ای که هدفش اجرای طرح جنایتکارانه بوده و این هدف پس از ارتکاب عمل جنایت و بهنگام متواری بودن قاتلان هم تعقیب گشته است. بعلاوه شیخ عطار، با تهیه و تسلیم گذرنامه به قاتلان، مرتکب عمل معاونت در جرم گشته است. زیرا گذرنامه های مزبور گرچه مورد استفاده قرار نگرفته ولی نحوه عرضه آنها به صورتی بوده است که شخص نامبرده می توانست هدف و نتایج خطاکارانه آنها ارزیابی کند. بهر تقدیر از آن مدارک در انجام عمل اصلی بهره برداری شده زیرا وجود آنها سبب گشته است که عاملان در تصمیم خود راسخ تر باشند.

* * *

ج - مسعود هندی

هندی که از تاریخ 7 سپتامبر 1991 (16 شهریور 1370) با زن و بچه هایش در هتل "فلاتوتل" در پاریس 15 اقامت داشته در تاریخ 17 سپتامبر (26 شهریور) دستگیر گردید. وی به هر گونه شرکت فعالانه و آگاهانه خود در ارتکاب جرائم اعتراض می کند.

نامبرده گرچه موضوع دو فقره ویزا، را بنا بدخواست شیخ عطار، به اسامی کمال حسینی و ناصر نوریان - که در نیمه دوم ماه ژوئن 1991 (اواخر خرداد و اوایل تیر 1370) نسبت به اخذ آن اقدام نموده - قبول دارد ولی پیوسته از نقشه قتل بختیار اظهار بی اطلاعی می کند.

وکیل هندی در یادداشت خود می نویسد که وی هیچگونه رابطه از نظر تداوم زمانی بین اقداماتی که نامبرده در تهران بمنظور تسهیل کار اخذ ویزا برای ناصر نوریان و کمال حسینی بعمل آورده و اعمالی که به و کیلی راد و آزادی نسبت داده شده نمی بیند.

وی اضافه می کند که در طی بازپرسی هیچگونه مستمسک واقعی بر علیه هندی بدست نیامده است.

از مطالعه پرونده می توان اطلاعات زیر را بدست آورد:

(صفحه 23 متن فرانسه)

شماره 94/00627

مسعود هندی که تحصیلات خود را از سال 1974 تا 1979 (1353 تا 1358) در فرانسه انجام داده بود بهنگام بازگشت آیت الله خمینی به ایران، به این کشور مراجعت نمود.

از 1980 تا 1986 (1359 تا 1365)، وی مدیر دفتر تلویزیون ایران - یا "ایریب" یعنی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران - در پاریس بود.

وی در آن سالها، به ویژه در سال 1982، در تظاهراتی که به طرفداری از خمینی در اطراف کاخ الیزه و نیز بعداً در تظاهرات دیگری که در جریان محاکمه انیس نقاش در پاریس در رابطه با سوء قصد به جان شاپور بختیار در پاریس تشکیل یافت شرکت نموده بود.

چندین سال بود که هندی بعنوان نماینده ایران به استخدام شرکت سیفاکس که بکار وسایل الکترونیکی می پرداخت در آمده و ازینرو اقامت های متعددی در کشور فرانسه انجام داده بود. هندی، بمنظور اثبات خلوص نیت خود می خواهد چنین وانمود کند که هدفی جز انجام خدمت به شیخ عطار نداشته و از نقشی که وکیلی و آزادی بازی کرده اند کاملاً بی اطلاع بوده است. وی اظهار می دارد که فقط در تاریخ 17 سپتامبر (26 شهریور) یعنی در روز بازداشت خود از ماقع اطلاع حاصل کرده است. ولی قدر مسلم اینست که خبر قتل شاپور بختیار و اتهام سه نفر قاتل از مطبوعات و رادیو و تلویزیون پخش گشته و همانگونه که همسر خود هندی نیز تأیید می کند این خبر بگوش نامبرده رسیده بوده است.

با این وجود، اگر هندی - همانگونه که خودش ادعا می کند - در تاریخ 7 سپتامبر (16 شهریور) به فرانسه آمده، این امر دلیل نمی شود که وی احتمالاً از جریانات بی اطلاع بوده است بلکه به این خاطر است که وی تصور می کرده که موضوع همدستی وی در پرده استتار مانده است.

در حقیقت معلوم می شود که هندی، با ادای این کذب، بطرز نا ماهرانه در صدد است نقشی را که در تشکیل گروه جنایتکاران - که شخصاً در آن شرکت نموده - و نیز در معاونت جرم که از راه یاری و همگامی (با عاملان قتل) انجام داده است، پنهان نگاهدارد، از روی قراین چنین استنباط می شود:

هندی با کسایتیکه به وی مأموریت داده بودند توافق کرده بود

* در فاکسی که در تاریخ 19 ژوئن 1991 (29 خرداد 1370) به سفارت فرانسه مخابره شده است هیچگونه اشاره ای به جنبه بارزگانی مأموریت نگشته است. در صورتیکه در تقاضاهای دیگر مربوط به صدور ویزا، پیوسته علت مأموریتی که شخص درخواست کننده می بایست در فرانسه انجام دهد ذکر می گشت (خود هندی نیز توضیح داده (7772. د) که تنها در صورتیکه دلایل روشن در رابطه با جنبه حرفه ای مأموریت ها در دست داشت با انجام آن روی موافقت نشان می داد.

* این طرز عمل به نظر آقای آبدون و خانم ژیرار غیر عادی بوده است؛ نتیجه اش هم این بوده است که:

(صفحه 24 متن فرانسه)

شماره 94/00627

از حسن نیت مسئولان شرکت سیفاکس سوء استفاده گردد: حقیقت اینست که هرگز موضوع خرید وسایل الکترونیکی بوسیله این دو نفر از شرکت سیفاکس مطرح نبوده است.

- هندی در طی ماهای ژوئن و ژوئیه 1991 (11 خرداد - 9 مرداد 1370) در دفتر تلویزیون ایران (ایریب) هنوز رشته کار را بدست داشت و می توانست با مسئولان سیاسی کشور خود در تماس باشد.

* دفتر کار وی در تهران در ساختمان "ایریب" بود و سه خط تلفنی نیز در اختیار داشت که با یکی از آنها می توانست با کشورهای خارج تماس بگیرد.

* وی کارت شناسائی "ایریب" را که تا تاریخ 4 آوریل 1997 (15 آوریل 1376) معتبر بود در دست داشت.

* نامبرده ضمناً مشخصات زیر را در اختیار داشت:

- آدرس و شماره تلفن رفسنجانی رئیس سازمان تلویزیون ایران "ایریب".

- آدرس و شماره تلفن دفتر آن سازمان در پاریس واقع در شماره 27 کوچه "لی یژ" و نام وی پیوسته در بین صورت اسامی که سرایدار آنجا در اختیار دارد مشاهده می شود.

باری آنچه به اثبات رسیده اینست که بر حسب اظهارات خود هندی، وی با وکیلی و آزادی در مقابل ساختمان "ایریب" قرار ملاقات داشته و در طی آن شماره های تلفنی موجود در این اداره را در اختیار آنان گذاشته است. طبق اظهار مقامات "د. اِس. ت." سرویس اطلاعاتی ایران مرتباً از "ایریب" بهره برداری میکنند: در آنجا یک سری جدید علائم رمز نیز کشف گشته که قرار بوده از روی آن دفترچه جدیدی از شماره های تلفن تنظیم گردد. بعلاوه معلوم گشته که در روزهای مشروحه در زیر از آپارتمان ادیبسوی با "ایریب" تماس تلفنی بعمل آمده است:

- روزهای 11 و 12 ژوئن (20 و 21 تیرماه)

- روز 12 ژوئیه (21 تیر) به "صدا و سیما"

- روزهای 20 و 21 ژوئیه (29 و 30 تیر) به "صدا و سیما" و این در صورتی است که بنا بر اعتراف خود هندی وی پیوسته در "صدا و سیما" دفتری در اختیار داشته و مرتباً به آنجا میرفته است.

- در همان اوان ادیبسوی به نوبت خود با وزارت مخابرات که شیخ عطار عضو آن بوده تماس تلفنی داشته است.

بدین ترتیب امر تبانی میان شیخ عطار و هندی به وساطت ادیبسوی امری مسلم بنظر می رسد.

بالاخره شایسته است این نکته هم یاد آوری گردد که هندی از تاریخ 28 ژوئیه تا 2 اوت 1991 (6 تیر - 11 مرداد 1370) در فرانسه اقامت داشته است. در حالیکه وکیلی راد و آزادی در روز 30 ژوئیه 1991 (8 مرداد 1370) به این کشور وارده شده اند. برخلاف آنچه هندی اظهار می دارد علت اقامت وی در فرانسه ارتباطی با روابط تجارتي وی با سیفاکس نداشته است.

(صفحه 25 متن فرانسه)

شماره 94/00627

بنابراین معلوم می شود که از نیمه ماه ژوئن 1991 (25 خرداد به بعد 1370) شیخ عطار و هندی در ایران و بویر احمدی در فرانسه متقابلاً با هم دست به کار گشته اند تا وسایل ورود دونفر قاتل را به فرانسه فراهم کنند. اگر وکیلی راد و آزادی عملاً به ویزاهائی که هندی کار اخذ آنرا برای نامبردگان آسان ساخته دست نیافته اند علتش مربوط به انصراف و یا پیدایش وقفه در طرح جنایتکارانه نبوده بلکه وقوع رویدادهائی به انجام آن در آغاز ماه ژوئیه 1991 (دهه اول تیرماه 1370) جنبه اتفاقی داده بوده است.

در میان این رویدادها که موجبات به تعویق افتادن انجام طرح را فراهم ساخته باید باین نکته اشاره کرد که همدستانی که قرار بود قاتلان را بعد از انجام عمل قتل در امر متواری گشتن در ژنو یاری دهند موفق نشده بودند هنوز ویزاهای خود را - گر چه تقاضای صدور آن در ماه ژوئن 1991 (دهه دوم و سوم خرداد - دهه اول تیر 1370) بعمل آمده بود - اخذ کنند. در این زمینه بحکم عقل میتوان توجّه داشت که این رویدادها بهنگام سفری که بویر احمدی در اوائل ماه ژوئیه 1991 به شهر اسلامبول انجام داده بود در مدّ نظر گرفته بود.

امر تأخیر در مسافرت وکیلی راد و آزادی، تغییری در انجام برنامه کمک به ایشان که در اصل از سوی هندی بعمل آمده، نداده است: علت اصلی این تأخیر، در واقع به مقتضیات و مسائل دقیقی که کار سازماندهی طرح با آن مواجه گشته است مربوط می شود و نه به انصراف شخصی هندی و شیخ عطار که بتوان آنرا در جهت انصراف ارادی تلقی نمود.

بنا بر آنچه گذشت می توان نتیجه گیری کرد که اتهامات دقیق و هم جہتی وجود دارد که حاکی از آن است که:

- هندی، از یکسو، در تشکیل گروه جنایتکاران، در چهارچوب تماسهای مداومی که با "ایریب"، وزارت مخابرات، اکیپ مستقر در شهر اسلامبول و بویور احمدی انجام داده، شرکت نموده.

- و از سوی دیگر با تهیه ویزاهای مسافرت برای قاتلان، دست به ارتکاب جرم معاونت در قتل زده است. گرچه عاملان اصلی جنایت از وسایلی که از سوی نامبرده در اختیارشان قرار گرفته استفاده نکرده اند ولی همین وسایل در انجام عمل اصلی بکار رفته است برای اینکه سبب شده که عاملان در تحقق هدفی که در پیش داشته اند راسخ تر گردند.

* * *

ج - غلام نژاد حسینی شوریده شیرازی

در حالیکه شیخ عطار از هندی درخواست کرده بود که ویزاهای مسافرت وکیللی و آزادی را به مقصد فرانسه آماده سازد، شوریده نیز، بسهم خود، در همان هنگام یعنی در اواسط ماه ژوئن 1991 (اواخر خرداد و اوایل سال 1370)

(صفحه 26 متن فرانسه)

شماره 94/00627

اقدام مشابهی بمنظور تسهیل ورود قاسمی نژاد به سویس بعمل می آورد. شخص اخیر الذکر کسی است که در این کشور با آزادی ملاقات نموده و بعد از ارتکاب دو فقره جنایت، وی را در امر متواری گشتن یاری داده است.

در واقع، از قرائن موجود در پرونده چنین مستفاد می گردد که سازمان دهندگان (برنامه قتل) پیش بینی کرده بودند که وکیللی و آزادی با استفاده از گذرنامه های تُرک که مهر جعلی ویزا روی آن خورده بود از کشور سویس راه فرار را در پیش بگیرند.

مضافاً بر اینکه شوریده در روز 24 ژوئیه 1991 (2 تیر 1370) بعلت نامعلومی رهسپار کشور سویس گشته است. این صاحب صنایع که با چندین وزارتخانه در ایران ارتباط دارد و با پسر عموهای علی خامنه ای، جانشین خمینی نیز مربوط است در طی تماسهای تلفنی که مأموران بازجویی با وی داشته اند از دادن هر گونه توضیح خود داری نموده است.

با توجه به مداخله ای که وی پیش از وقوع جنایات بعمل آورده، مسبب کمکی گشته است که وعده آن قبلاً، بمنظور تسهیل در کار، داده شده بود ولی انجام آن بعد از ارتکاب جرائم صورت گرفته است. (رأی صادره از دادگاه جنائی در تاریخ 30 آوریل 1963 برابر با 10 اردیبهشت 1342).

بالنتیجه رفتار شوریده را می توان، از یکسو، با در نظر گرفتن معاونت وی در ارتکاب دو فقره قتل، که بصورت فراهم ساختن وسیله به سود قاسمی نژاد انجام گرفته، مورد بررسی قرار داد و از سوی دیگر با شرکت نامبرده در سازماندهی گروه جنایتکاران بمنظور ارتکاب قتلها.

* * *

ح - قاسمی نژاد

همانگونه که در بالا اشاره شد، معلوم گشته است که قاسمی نژاد در هتل "اتووال" ژنو با آزادی ملاقات کرده است. شخص اخیر الذکر در تاریخ 9 اوت 1991 (18 مرداد 1370) با استفاده از یک ویزا که در ماه ژوئن (مطابق با دو دهه دوم خرداد و دهه اول تیر) تقاضای صدور آن شده بود و یک بلیط هواپیما که در ماه ژوئیه (دو دهه اول تیر و دهه اول مرداد) خریداری گشته بود، به این شهر رسیده است.

در روز 13 اوت (22 مرداد) آزادی به وی ملحق گشته و هر دو نفر پیش از آنکه بکلی ناپدید گردند بمنظور اقامت دو روزه به هتل ژان ژاک روسو می روند.

شایسته است خاطر نشان گردد که ادیبسوی در روزهای 9 و 13 اوت 1991 (18 و 22 مرداد 1370) بوسیله تلفن از اسلامبول با هتل "اتوال" و در روزهای 14 و 15 اوت (23 و 24 مرداد 1370) با هتل ژان ژاک روسو تماس حاصل کرده است. وی همچنین در روزهای 13 و 14 و 15 اوت (22، 23 و 24 مرداد) به هتل "برنینا" که شخصی به نام سرحدی در آن اقامت داشت تلفن کرده است. و بالاخره از همین هتل "برنینا"، هنگامی که آزادی و قاسمی نژاد هنوز در آن اقامت داشتند. به هتل ژان ژاک روسو سه بار تلفن شده است.

(صفحه 27 متن فرانسه)

شماره 94/00627

از اینرو مشارکت قاسمی نژاد، چه در تهیه مقدمات و سازماندهی در پیش از انجام عمل جنایت و چه بعد از ارتکاب آن در تحقق بخشیدن به فرار برخی از عاملان آن مسلم بنظر می رسد. و این مشارکت با بررسی اتهاماتی که بر وی وارد است و تبانی میان آن را بر ملا می سازد جنبه قطعی تری بخود می گیرد.

خ - زین العابدین سرحدی

وکیل سرحدی در یادداشت خود می نویسد که چون هنوز ثابت نگشته است که وکیلی همان کسی است که در روز 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370) به ژنو رفته است بنابراین اتهاماتی که به سرحدی نسبت داده می شود در واقع کافی نیست. بعلاوه از نقطه نظر حقوقی روی این نکته تأکید می شود که اگر رابطه میان سرحدی و قاسمی نژاد و نیز وجود یک نوع توافق با عاملان (جنایت) به اثبات نرسد، عوامل سازنده معاونت در قتل را به علل و دلایل آن نمی توان افزود.

بررسی پرونده اطلاعات زیر را بدست می دهد:

سرحدی موضوع حضور خود را در بین روزهای 13 و 17 اوت (22 و 26 مرداد 1370) در هتل برنینا و سپس در هتل پویی ژنو رد می کند.

وی اظهار می دارد که برای اولین دفعه و تنها یک بار در روز 3 سپتامبر 1991 (12 شهریور 1370) به ژنو رفته تا از آنجا رهسپار شهر برن که سفارت ایران در آن واقع است گردد. وی تا روز دستگیری در روز 23 دسامبر 1991 (2 دی 1370) کارمند این سفارتخانه بوده است. سرحدی ادعا می کند که شخص ناشناسی در شرایطی که در پائین به آن اشاره می شود از گذرنامه و ویزای مسافرت او استفاده کرده است:

نامبرده که به موجب یک حکم، مأموریت داشت که به مدت 3 ماه در سفارت ایران در برن کار کند، با در دست داشتن گذرنامه ای که در تاریخ 24 ژوئیه 1991 (2 مرداد 1370) صادر گشته بود در تاریخ 30 ژوئیه 1991 (8 مرداد 1370) درخواست ویزای ورود به سوئیس را می نماید.

مسافرت سرحدی برای روز 12 اوت (21 مرداد) پیش بینی گشته بود. مشارالیه گذرنامه خود را چهار روز پیش از روز حرکت، در مقابل رسید، به مأموران فرودگاه تسلیم می دارد.

و در روز پرواز، بعد از اینکه چمدانهایش مورد بازرسی قرار می گیرد، متوجه می گردد که گذرنامه اش مفقود شده است. وی بلافاصله در همان لحظه از حرکت صرف نظر می کند.

چند روز بعد یک گذرنامه دیگر به نام او صادر می گردد. وی، بعد از تجدید تقاضا،

(صفحه 28 متن فرانسه)

شماره 94/00627

به اخذ یک ویزای جدید موفق می شود.

نامبرده، وقتی که در تاریخ 3 سپتامبر 1991 (12 شهریور 1270) در فرودگاه ژنو از هواپیما پیاده گشته، بهنگام کنترل همین مدارک را در دست داشته است.

بنابراین سرحدی مدعی است که وی آن کسی نیست که در روز 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370) با استفاده از نام او به شهر ژنو آمده است؛ قاسمی نژاد را نمی شناسد. به آزادی کمکی نکرده، در هتلهای "برنینا" و "پوپا" اقامت نداشته و هیچگونه ارتباطی هم با کسانی که در تدارک قتلها سهیم بوده اند ندارد.

در حقیقت انکارات سرحدی با اطلاعات زیر متناقض است:

- درباره واقعیت و ماهیت مأموریت وی در سفارت ایران در برن

سرحدی که بهنگام دستگیری، حکم مأموریتی به تاریخ 16 ژوئیه 1991 (25 تیر 1370) در دست داشته که بموجب آن می بایست به مدت 3 ماه به برن برود.

و نیز در تاریخ 17 ژوئیه 1991 (26 تیر 1370) از سوی وزارت امور خارجه ایران نامه ای به اسم او صادر گشته که طی آن بعد از اشاره به مأموریت مورخ 21 ژوئیه 1991 (30 تیر 1370) وی، از بانک ملی تقاضا شده است مبلغ 3872 دلار به نامبرده پرداخت گردد.

بالاخره وی از همین بانک قبض رسیدی به تاریخ 10 اوت 1991 (19 مرداد 1370) در دست داشت که نشان می داد نامبرده مبلغ 50/000 ریال عوارض خروج از کشور را پرداخته است.

با این ترتیب، واقعیت تصمیم متخذه درباره اعزام سرحدی به سویس و جنبه موثر و سریع اقدامات فوری که در این زمینه بعمل آمده جای هیچگونه بحث ندارد. برعکس ماهیت مأموریتی که وی می بایست در سفارت ایران در برن انجام دهد کاملاً مبهم و حتی جنبه تفننی پیدا می کند. وی بمنظور تصدی شغل بایگانی انتخاب گشته و کاری که برایش پیش بینی گشته بود این بود که به نامه هائی که بدست کنسول باز می شد مهر بزند. مزیت استخدام یک کارمند برای چنین مأموریتی، آنهم به مدت سه ماه قابل درک نیست. در این باره هیچگونه توضیح جدی از سوی کارمندان سفارت داده نشده است.

- درباره شرایط "عزیمت کاذب" سرحدی در تاریخ 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370):

سرحدی اظهار می دارد که گذرنامه اول خود را در تاریخ 8 اوت (17 مرداد) در مقابل دریافت قبض رسید، که بهنگام دستگیری هنوز در دست داشت، به پلیس فرودگاه داده است.

مأموران پلیس سویس، بر خلاف این گفته، بطور قاطعانه، شهادت داده اند که چنین مدرکی از او بدست نیآورده اند.

این مدرک حتی بهنگام بازرسی های مختلفی که در محل اقامت نامبرده صورت گرفته بدست نیامده است.

(صفحه 29 متن فرانسه)

شماره 94/00627

مقامات سفارت ایران هرگز مفقود شدن گذرنامه مزبور را تأیید ننموده اند. این موضوع هرگز - حتی بهنگام تسلیم دوّمین درخواست ویزا برای سرحدی به اطلاع اداره کنسولگری سویس در تهران نرسیده است.

اگر عضوی از اعضاء وزارت امور خارجه ایران احتمالاً چنین قصدی داشته وی هرگز آنرا اقرار ننموده است.

اظهار عدم اطلاع از سوی مقامات مربوطه کاملاً عجیب بنظر می رسد، علی الخصوص که اعضاء سفارت ایران در برن نیز درباره علت عدم ورود سرحدی به ژنو در تاریخ پیش بینی شده، یعنی 13 اوت (22 مرداد) خود را زیر سؤال قرار نداده اند.

بعلاوه نام سرحدی در لیست مسافران هواپیما ثبت گشته است.

بالتیجه مقتضیات این "عزیمت کاذب" صرفنظر از اینکه دور از حقیقت بنظر می رسد، بهیچوجه به اثبات هم نرسیده است، زیرا نه اثری از قبض رسید در دست است و نه دلیلی از مفقود شده گذرنامه.

- درباره حضور سرحدی در شهر ژنو از تاریخ 13 تا 17 اوت 1991 (22 تا 26 مرداد 1370):

وکیل سرحدی در یادداشت خود می نویسد: این نکته معلوم گشته که سرحدی بهنگام وقوع جریانات در تهران بوده است و نه در ژنو. دلیل این مدعا را می توان هم در فیش های کنترل حضور شرکت تعاونی خرید سفارت که وی در استخدام آن بود و هم در قبض های فروش که به امضای سرحدی رسیده است و نیز در گواهینامه های مأموران خرید سفارتخانه های مختلف که به نیمه دوم ماه اوت 1991 (اواخر مرداد و اوایل شهریور 1370) مربوط می شود بدست آورد.

در حقیقت وکیل مزبور به نامه ای اشاره می کند که در تاریخ 15 ژانویه 1991 (25 دی 1371) از سوی سفارت ایران در پاریس به بازپرس ارسال گشته است (مدرک شماره 2907).

به این نامه فاقد امضاء، فتوکپی های بد کیفیت فیش های کنترل حضور و اسناد مختلف دیگر، بمنظور نشان دادن حضور سرحدی در تهران در طی مدت مورد نظر، ضمیمه گشته که نمی توان ارزش سندیت به آنها داد.

در رابطه با این مسئله توجه به این نکته حائز اهمیت است که اصل این مدارک، علیرغم مزیتی که وجود آنها در امر دفاع سرحدی دارد، هرگز ارائه نگشته است.

(صفحه 30 متن فرانسه)

شماره 94/00627

در عوض، از اطلاعات موجود در پرونده نتیجه گیری می شود که بر خلاف نوشته های مختلف وکیل که آنها نیز در پرونده وجود دارد فیش های حضور و غیابی که سرحدی بهنگام دستگیری با خود داشته و بصورت دقیق هم تنظیم گشته است فقط مربوط به ماههای مارس، آوریل، مه، ژوئن 1991 (دهه دوم و سوم اسفند 1369 - فروردین تا دهه اول تیر 1370) می باشد (مدرک شماره 4425 تا مدرک شماره 4429).

هیچگونه فیشی که مربوط به ماههای ژوئیه و اوت 1991 (10 تیر تا 10 شهریور 1370) باشد بدست نیامده است.

سرحدی در رابطه با این مطلب مدعی است که مقامات کشور سوئیس که این دو فیش را از نامبرده گرفته اند هرگز به وی مسترد نداشته اند. با این شرایط، معلوم نیست سفارت ایران چگونه توانسته است فتوکپی هائی از این فیش ها تهیه نموده و به بازپرس ارسال دارد (مدرک شماره 4463).

در نتیجه شایسته است که ارزش اقدامی که از سوی سفارت ایران بعمل آمده است زیر سؤال قرار گیرد. علی الخصوص که هیچگونه تحقیقی در ایران صورت نپذیرفته است. در واقع تقاضای تشکیل کمیسیون قضائی بین المللی که در تاریخ 18 اوت 1991 (27 مرداد 1370) از مجرای دیپلوماتیک به دولت جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گشت هرگز به مرحله اجرا در نیامد. بعلاوه همین مقامات نسبت به شرکت مأموران پلیس فرانسه در اجرای مأموریت مزبور روی موافقت نشان ندادند.

و نیز انجام هیچگونه بازجویی و یا پرسشی از شرکت هواپیمایی "ایران ایر" بویژه در رابطه با کیفیات اخذ فیش پرواز 13 اوت 1991 امکان پذیر نبود. فقط لیست مسافران آن پرواز بدست آمد که نشان می داد به نام سرحدی در هواپیما جا رزرو شده بوده است (مدرک شماره 6981). در حقیقت نارسائی و عدم کارائی ادارات مربوطه در ارائه دلیلی غیر قابل رد درباره حضور سرحدی در تهران، در طول مدت مورد نظر، و نیز در رابطه با فقدان گذرنامه وی از جمله مطالبی است که می توان بر علیه نامبرده عنوان نمود.

افزون بر این، جا دارد این نکته را خاطر نشان گردد که وجود نام سرحدی در روی فیش هائی که از هتل های "برنینا" و "پوپی" بدست آمده است نشان می دهد که نامبرده به ترتیب از 13 تا 15 اوت (22 تا 24 مرداد 1370) و از 15 تا 17 اوت 1991 (24 تا 26 مرداد 1370) در این دو هتل اقامت نموده است.

گرچه کارشناسی خط فیش های هتل معلوم می دارد که آنها با دست سرحدی پُر نگشته است ولی کارشناس احتمال درج امضاء ها را با دست سرحدی امری مطابق با حکم عقل می داند.

در واقع امضاهای مزبور شباهت زیادی با امضاهائی که سرحدی در پائین درخواست های ویزا کرده است دارد.

(صفحه 31 متن فرانسه)

شماره 94/00627

بعقیده کارشناس خط، فیش های متعلق به قاسمی نژاد و آزادی در هتل روسو، و فیش های مربوط به سرحدی در هتل های "برنینا" و "پوپی"، به دست یک شخص واحد پُر گشته است.

این نتایج با اطلاعاتی که در طی بازجویی کسب گشته مطابقت دارد، و اطلاعات مزبور حکایت از آن می کند که یک تبعه ایرانی که هویتش تا کنون مشخص نگشته است در هتل روسو دیده شده است. وی به اتفاق قاسمی نژاد برای یک روز بعد در این هتل اطافی رزرو کرده که مورد استفاده قاسمی نژاد و آزادی قرار گرفته است. و نیز همین شخص بوده که فیش های هتل را برای سرحدی پُر کرده است و شخص اخیر الذکر بهنگام ورودش به هتل به امضاء آنها پرداخته است.

بعلاوه یکی از کارکنان هتل "برنینا"، بعد از دیدن عکس سرحدی، اظهار داشته است که بنظرش می رسد این شخص را قبلاً دیده باشد.

در رابطه با شخصیت سرحدی، ذکر این نکته شایسته بنظر می رسد که بنا بر گفته مدیر زندان برن، نامبرده بهنگام بازداشتش در این زندان اغلب به فرانسه تکلم مینمود. گرچه خود او این موضوع را انکار می کند.

وی بالاخص شماره تلفن استودیویی را در یک رزیدانس واقع در "پلاس دینالی" که سفارت ایران در پاریس مرتباً آپارتمانهای را در آن اجاره می کند در اختیار داشت.

بالاخره در 17 ژانویه 1994 (27 دیماه 1372) در سلول وی جزوه ای به زبان فارسی پیدا شد که در آن به ویژه از طرز بکار بردن اسلحه سخن رفته بود.

بنابر این، اطلاعات موجود در پرونده، آن تصویری را که از وی شخص بی جُرزه، گمراه و بکلی ناتوان در رابطه با شرکت - از نزدیک یا دور - در چنین کاری بدست می دهد تأیید نمی کند.

بالنتیجه معلوم می گردد که در روز 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370) این خود سرحدی بوده که در ژنودیده شده است.

- درباره نقش سرحدی

از اطلاعات موجود در پرونده چنین بدست می‌آید که سرحدی و قاسمی نژاد در تهران بالاتفاق و با تبنانی هم وسایل ورود خود را به ژنو فراهم ساخته اند تا به وکیلی و آزادی کمک کنند.

اطلاعات زیر بویژه نشان می‌دهد که بین این دو شخص تبنانی قبلی در چهارچوب گروه جنایتکاران وجود داشته است:

(صفحه 32 متن فرانسه)

شماره 94/00627

سرحدی در روز 27 ژوئیه 1991 (5 تیر 1370) از آژانس وزارت امور خارجه در تهران یک بلیط هواپیما بمقصد ژنو می‌گیرد. قاسمی نژاد نیز در تاریخ 29 ژوئیه 1991 (7 مرداد 1370) بلیط خود را از آژانس مسافرت‌های رسمی "ایران ایر" دریافت می‌نماید.

- حکم مأموریت سرحدی در تاریخ 16 ژوئیه 1991 (25 تیر 1370) صادر گشته است. در حالیکه در همان تاریخ 16 ژوئیه 1991 (25 تیر 1370) درخواست های ویزا برای وکیلی و آزادی تسلیم گشته است.

- سرحدی اولین گذرنامه خود را در 25 ژوئیه 1991 (3 مرداد 1370) دریافت داشته است.

- فردای آنروز، یعنی در تاریخ 26 ژوئیه 1991 (4 مرداد 1370) وکیلی از تهران بوسیله تلفن استودیوی واقع در "آونو دیتالی" را اجاره کرده تا بعداز ماجرا از آن بعنوان پناهگاه استفاده گردد.

- در تاریخ 30 ژوئیه 1991 (8 مرداد 1370)، یعنی درست روزی که آزادی و وکیلی به پاریس میرسند، ویزای سرحدی هم صادر می‌گردد.

- در درخواستی که سرحدی بمنظور ویزا تسلیم داشته روز پیش بینی شده ورود وی به سویس درج گشته است و آن همان 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) یعنی روز ارتکاب قتلهاست.

در حالیکه قاسمی نژاد، با در نظر گرفتن حد اکثر تأخیر، در 9 اوت 1991 (18 مرداد 1370) به ژنو رسیده، سرحدی نیز در 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370) به این شهر وارد گشته و ورود نامبرده به فرودگاه از روی گذرنامه وی ثبت گشته است ولی عکس الصاقی بر روی گذرنامه، عکس خود او نبوده بلکه متعلق به کسی است که به وی شباهت دارد و بلیط هواپیمائی نیز که در دست داشته به اسم قاسمی نژاد صادر شده بوده است.

در روی فیش هتل "پویی" که سرحدی در آن اقامت کرده همان آدرسی (شماره 416 خیابان نیروی هوایی) بچشم می‌خورد که در روی فیشی که آزادی (منتها با اسم جعلی حمید رزاق) در هتل روسو پر کرده است.

بالاخره جا دارد در اینجا به تماس های تلفنی که بین هتل های محل اقامت این اشخاص از یکسو و آپارتمان ادیبسوی از سوی دیگر انجام گرفته اشاره گردد.

بالنتیجه، با وجود انکارات سرحدی، قراین جدی در دست است که نشان می‌دهد نامبرده همان کسی است که در روز 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370) به ژنو وارد گشته و در طی اقامت خود در این شهر، هم با عوامل وابسته به گروه که در اسلامبول مستقر بوده اند در ارتباط بوده است و هم با قاسمی نژاد و آزادی. و اگر وی با این شخص اخیر تماس گرفته به این منظور بوده است که او را از تعقیب مأموران بر کنار داشته و وی را در کار متواری گشتنش یاری دهد.

بنابراین برنامه ورود وی، پیش از ارتکاب قتلها، در چهارچوب تبانی ای که از ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد و دهه اول تیر 1370) در ایران و ترکیه صورت گرفته، ترتیب داده شده است.

با این وجود، شایسته است این نکته هم یاد آوری گردد که سرحدی تنها به اتهام جرم معاونت در قتل - و نه شرکت در تشکیل گروه جنایتکاران - به فرانسه تسلیم گشته است. بنابراین

(صفحه 33 متن فرانسه)

شماره 94/00627

اتهام دوم را در باره او نمی توان وارد دانست.

عوامل متشکله معاونت در قتل را می توان تا آن حد در مورد سرحدی عنوان نمود که وی بعد از اینکه عمل جرم ارتکاب یافته مبادرت به کمک نموده و در صدد متواری ساختن عامل اصلی آن بر آمده است و اقدامات وی ناشی از توافقی بوده که پیش از انجام عمل جرم بعمل آمده است.

3- اجرای ماده 706/16 قانون دادرسی کیفری

بطور واضح آشکار می گردد که فعالیت های سیاسی آقای بختیار، بالاخص بعد از تبعید وی، موجب قتل نامبرده شده است.

ده روز بعد از مراجعت آیت الله خمینی به ایران در سال 1979 (1357) وی ناگزیر از ایران خارج شده و مخفیانه وارد خاک فرانسه شد. در روز 14 مه 1979 (24 اردیبهشت 1358) آیت الله خلخالی "قاضی شرع و رئیس داد گاه انقلاب"، طی مصاحبه ای به خبرنگار روزنامه کیهان چاپ ایران، تصمیم خود را دایر بر "از بین بردن مفسدان روی زمین" اعلام داشته و اضافه نمود که: "کسانیکه بعد از انقلاب از ایران خارج گشته اند، جنایتکاران راستینی بشمار می آیند که "مجازاتشان اعدام است". آیت الله خلخالی، در بین کسانی که مورد حمله وی قرار گرفتند اسم بختیار را بمیان آورد. در روز 7 دسامبر 1979 (16 آذر 1358) به دنبال قتل مصطفی شفیق، عضو خانواده سلطنتی، در پاریس، همان آیت الله دوباره به تهدید آقای بختیار پرداخته و اظهار داشت: "فدائیان اسلام فعالیت های خود را در اروپا و آمریکا بمنظور پیدا کردن رد پای تبهکاران و مجازات ایشان بخاطر اعمالی که مرتکب گشته اند ادامه می دهند". آیت الله خلخالی بعنوان نمونه از آقای بختیار نام برد زیرا "وی از تبعید گاه خویش در پاریس، بر علیه امام خمینی مبارزه می کند". در تاریخ 18 ژوئیه 1980 (27 تیر 1359)، در "نوی سورسین" کوماندوئی که در رأس آن انیس نقاش قرار داشت در صدد قتل بختیار برآمد. مداخلات یک شخص ثالث و مأموران انتظامی مانع انجام این نقشه جنایتکارانه گشت.

(صفحه 34 متن فرانسه)

شماره 94/00627

ار جمله اقداماتی که بمنظور از بین بردن مخالفان، مقیم خارج، جمهوری اسلامی طرح ریزی و مرحله عمل در آمده، شایسته است که به ذکر موارد زیر پرداخت:

- در روز 4 ژوئن 1989 (14 خرداد 1368)، یکی از سلطنت طلبان به نام عطاالله بوی احمدی که عضو سازمان پرچم آزادی ایران یا "س. پ. آ. ا." بود در "دوبی" بدست افرادی که هرگز هویت شان مشخص نگشت به قتل رسید.

شخص مقتول، پیش از آنکه به گروه هواداران سلطنت به پیوند، در ایران یکی از همکاران بختیار بود.

- در روز 22 اکتبر 1990 (اول آبان 1369)، سیروس الهی، عضو سازمان پرچم آزادی ایران، در پاریس بضرر گلوله به قتل رسید و ضارب موفق به فرار گشت. بعقیده آقای گنجی، مسئول "س. پ. آ." این دو فقره قتل که کسی نیز مسئولیت انجام آنرا بعهدہ نگرفت، با هم ارتباط داشته است.

- در 18 آوریل 1991 (29 فروردین 1370)، حوالی ساعت 1/5 بعد از ظهر، آقای پرومند، رئیس شورای اجرائی حزب آقای بختیار (نهضت ملی مقاومت ایران)، در پاریس در مدخل منزل خود با ضربات کارد شخصی که موفق به فرار گشت از پای درآمد. این قتل هنگامی صورت گرفت که آقای پرومند، پس از مذاکره با آقای بختیار درباره مسائل مربوط به "س. پ. آ." داشت بمنزل خود بر می گشت.

این سه فقره جنایت که عاملانش هرگز مسئولیت آنرا بعهدہ نگرفتند تنها یک نتیجه داشت: تضعیف احزاب مخالف جمهوری اسلامی ایران که در خارج از این کشور و بالاخص در فرانسه مستقر گشته اند.

حقاً میتوان استنباط کرد که صرفنظر از هدفی که قاتلان بختیار صرفاً بمنظور آدم کشی در نظر داشتند قصد دیگرشان این بود که امکانات عمل "س. پ. آ." یعنی یک حزب سیاسی مخالف مقامات رسمی ایران را کاهش دهند.

از آنچه گذشت چنین نتیجه گرفته می شود که بر طبق مفاد ماده 616.7 قانون دادرسی کیفری قتل آقای بختیار و محافظ وی بعلی که جنبه تروریستی داشته انجام گرفته و هدف از این عمل نیز تهدید از راه ایجاد وحشت، هم در محافل اپوزیسیون ایرانی مقیم خارج و هم در بین مقامات کشور میزبانی بوده که شخص مقتول در زیر حمایت آنها قرار داشته است.

(صفحه 35 متن فرانسه)

شماره 94/00627

در نتیجه دادگاه اظهار می دارد که:

- ارجاع پرونده - که از طرف وکیل سرحدی عنوان شده است - موردی ندارد.

و نیز موردی وجود ندارد که:

. بخاطر اقدام در صدور دستور بمنظور ابلاغ رونوشت تمام پرونده به وکلای وکیلی، دادگاه رأی خود را به تعویق اندازد.

. درباره تأدیه هزینه های مربوط به کار مترجمی که وکلای تسخیری متهم پرداخت کرده اند دستور صادر نماید.

. دستور دهد که اوراق مربوط به پرونده بازپرسی به زبان فارسی ترجمه گردد.

- از مطالعه مدارک و پرونده مربوط به بازپرسی نتیجه گرفته می شود که موارد اتهام کافی بر علیه

آ -

1) - مجهول الهویه ای که خود را بنام علی وکیلی راد معرفی میکند ولی به اسامی کوثر و

کمال حسنی نیز موسوم است

- فریدون بویر احمدی

- مجهول الهویه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده ولی به اسامی مستعار "کیا"

و "نوریان" نیز شهرت دارد.

وجود دارد که حاکی از آنست که نامبردگان در روز 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در سورن، بهر حال در خاک فرانسه، عاملان قتل شاپور بختیار و سروش کتبیبه بصورت عمد بوده و تاریخ ارتکاب این قتل هنوز شامل مرور زمان نگشته است.

ذکر این نکته ضروری است که جنایات یاد شده در بالا با قصد و نیت قبلی صورت گرفته است.

مجازات مربوط به این جنایات در مواد 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفری پیش بینی گشته است.

2) حسین شیخ عطار:

در تهران، خاک جمهوری اسلامی ایران، در فاصله زمانی بین آخر ماه مه 1991 (اوایل خرداد 1370) و 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) با کمک و یا با دستکاری خود و نیز با تسهیل مقدمات کار و انجام آن در ارتکاب جنایات قتل که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در "سورن"، واقع در خاک فرانسه بدست فریدون بویر احمدی، مجهول الهویه ای که خود را محمد آزادی معرفی کرده ولی به اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" هم شهرت دارد و نیز مجهول الهویه دیگری که خود را به نام علی و کیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست. بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

(صفحه 36 متن فرانسه)

شماره 94/00627

3) سید مسعود هندی:

در تهران، خاک جمهوری اسلامی ایران، در "ایسی - له - مولینو"، خاک جمهوری فرانسه، در فاصله زمانی بین آخر ماه مه 1991 (اوایل خرداد 1370) و 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) با کمک و یا دستکاری خویش و نیز با تسهیل مقدمات کار و انجام آن، در ارتکاب جنایات قتل که به تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در "سورن"، واقع در خاک فرانسه، بدست فریدون بویر احمدی و مجهول الهویه ای که خود را با نام محمد آزادی معرفی کرده و اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" را هم دارد و نیز مجهول الهویه دیگری که خود را به نام علی و کیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست، بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

4) زین العابدین سرحدی:

در تهران، در خاک جمهوری اسلامی ایران، در ژنو، در خاک کنفدراسیون سویس، از ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد - دهه اول تیر 1370) تا روز 17 اوت 1991 (26 مرداد 1370)، با کمک و یا با دستکاری خود و نیز با تسهیل مقدمات کار و انجام آن، در ارتکاب جنایات قتل که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در سورن، واقع در خاک فرانسه، بدست فریدون بویر

احمدی و مجهول الهویه ای که خود را با نام محمد آزادی معرفی کرده و اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" را هم دارد و نیز مجهول الهویه دیگری که خود را به نام علی وکیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست، بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

5) غلامحسین شوریده شیرازی نژاد:

در تهران، در خاک جمهوری اسلامی ایران و در ژنو در خاک کنفدراسیون سویس از ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد - دهه اول تیر 1370) تا 30 ژوئیه 1991 (8 مرداد 1370)، با کمک و یا با دستکاری خود و نیز تسهیل مقدمات کار و انجام آن، در ارتکاب جنایات قتل که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در سورن، واقع در خاک فرانسه، بدست فریدون بویر احمدی و مجهول الهویه ای که خود را با نام محمد آزادی معرفی کرده و اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" را هم دارد و نیز مجهول الهویه دیگری که خود را به نام علی وکیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست، بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

(صفحه 37 متن فرانسه)

شماره 94/00627

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

6) مسعود ادیبسوی:

در اسلامبول، خاک جمهوری ترکیه، از ماه مه 1991 (دو دهه آخر اردیبهشت و دهه اول خرداد 1370) تا ماه اوت 1991 (دو دهه آخر مرداد و دهه اول شهریور 1370) با کمک و یا دستکاری خویش و نیز با تسهیل مقدمات کار و انجام آن، در ارتکاب جنایات قتل که در تاریخ 6 اوت 1991 (15 مرداد 1370) در سورن، واقع در خاک فرانسه، بدست فریدون بویر احمدی و مجهول الهویه ای که خود را با نام محمد آزادی معرفی کرده و اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" را هم دارد و نیز مجهول الهویه دیگری که خود را به نام علی وکیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست، بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

7) ناصر قاسمی نژاد:

در تهران، در خاک جمهوری اسلامی ایران، در ژنو، در خاک کنفدراسیون سویس، از ماه ژوئن 1991 (دو دهه آخر خرداد - دهه اول تیر 1370) تا 13 اوت 1991 (22 مرداد 1370)، با کمک و یا دستکاری خویش و نیز با تسهیل مقدمات کار و انجام آن، در ارتکاب جنایات قتل که در تاریخ 6 اوت

1991 (15 مرداد 1370) در سورن، واقع در خاک فرانسه، بدست فریدون بویر احمدی و مجهول الهویّه ای که خود را با نام محمد آزادی معرفی کرده و اسامی مستعار "کیا" و "نوریان" را هم دارد و نیز مجهول الهویّه دیگری که خود را به نام علی وکیلی راد معرفی می کند و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی هم هست، بر علیه شاپور بختیار و سروش کتبیبه انجام گرفته، عالماً و عامداً خود را معاون جرم عاملان آن جنایات ساخته است.

مجازات مربوط به این عمل جنائی در مواد 59 و 60، 295، 296، 297، و 302 قانون کیفری سابق و مواد 6-121 و 7-121، 1-221، 3-221، 8-221، 9-221 و 11-221 آئین نامه جدید کیفر پیش بینی گشته است.

(ب)

- فریدون بویر احمدی

- مجهول الهویّه ای که خود را به نام وکیلی راد معرفی کرده و دارای اسامی مستعار کوثر و کمال حسینی نیز هست.

- مجهول الهویّه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده و دارای اسامی مستعار کیا و نوریان نیز هست.

- سید مسعود هندی

- حسین شیخ عطار

- ناصر قاسمی نژاد

- ناصر قاسمی نژاد

- مسعود ادیبسوی

- غلامحسین شوریده شیرازی نژاد

(صفحه 38 متن فرانسه)

شماره 94/00627

در تهران، خاک جمهوری اسلامی ایران، در ژنو، خاک کنفدراسیون سویس، در اسلامبول، خاک جمهوری ترکیه، در پاریس و در سورن، خاک جمهوری فرانسه از ماه مه 1991 (دو دهه دوم اردیبهشت - دهه اول خرداد 1370) لغایت 17 اوت 1991 (26 مرداد 1370) در جمع گروهی که بمنظور تهیه مقدمات - که یک یا چند اثر مادی و ملموس وجود آنرا مشخص می سازد - و ارتکاب یک یا چند جنایت بر علیه اشخاص به وجود آمده، شرکت و به توطئه پرداخته اند.

این جرم به جنایات مشروحه در بالا اضافه گشته و مجازات مربوط آن در مواد 44، 256 قانون کیفری سابق و مواد 1-131، 2-131، 1-450 تا 3-450 آئین نامه جدید کیفری پیش بینی شده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که جنایات و جرمهایی که در بالا از آن یاد شد یا بصورت اصلی و یا بطور وابسته در رابطه با یک اقدام دسته جمعی که هدف آن، ضمن تهدید و ایجاد وحشت، بر هم زدن نظم عمومی بطور شدید بوده است، انجام گرفته است.

با توجه به مواد 203، 204، 215، 16-706 آئین نامه دادرسی کیفری

با استنباط این نکته که جرم های مرتکبه در قلمرو اجرای ماده 16-706 آئین نامه دادرسی کیفری قرار دارد

خاطر نشان می شود که بخاطر حسن اجرای عدالت اقتضا دارد که جنایات و جرمهای وابسته به آن توأماً تحت رسیدگی قرار گیرد.

به استناد مواد 181، 183، 184، 194، 197، 198، 199، 200، 203، 206، 210، 211، 214، 215، 1-215، 216، 217 و 218 آئین نامه دادرسی کیفری.

- مجهول الهویه ای که خود را به نام وکیلی راد معرفی کرده و دارای اسامی مستعار موسی کوثر و امیر کمال حسینی نیز هست.

- مسعود هندی

- زین العابدین سرحدی

- فریدون بویر احمدی

- مجهول الهویه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده ولی به نامهای مستعار علی حیدر کیا و ناصر نوریان نیز هست.

حسین شیخ عطار

مسعود ادیبسوی

ناصر قاسمی نژاد

غلامحسین شوریده شیرازی نژاد

(صفحه 39 متن فرانسه)

شماره 94/00627

متهم شناخته شده و به دادگاه جنائی پاریس که طبق مفاد ماده 6-698 قانون دادرسی کیفر تشکیل یافته است احضار می گردند.

- دستور بازداشت

دستور داده می شود که هر مأمور اجرا و یا هر مأمور نیروی انتظامی، اشخاصی را که نامشان در زیر ذکر می گردد

1- مجهول الهویه ای که فرزند امیر و فاطمه سلیمی است و در تاریخ 24 فوریه 1959 (5 اسفند 1337) در تهران (ایران) متولد شده و خود را بنام علی وکیلی راد معرفی میکند

دارای اسامی مستعار:

- موسی کوثر:

متولد در تاریخ 2 دسامبر 1954 (11 آذرماه 1332) در باغچیلر (ترکیه) و:

- امیر کمال حسینی:

متولد در سال 1957 (سال 1335 و یا 1336 شمسی) در تهران (ایران) شخص مزبور در زندان فلوری مروژیس زندانی است.

قرار بازداشت بین المللی: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370)

بازداشت موقت: 21 اوت 1991 (30 مرداد 1370)

استرداد: 27 اوت 1991 (30 مرداد 1370)

قرار زندان (صادره از سوی بازپرس): 21 سپتامبر 1991 (30 شهریور 1370).

متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

2- مسعود هندی

متولد در تاریخ 26 مه 1947 (5 اردیبهشت 1926) در تهران (ایران)، فرزند یوسف و زهرا علاقبند.

در بازداشتگاه "لاسانته" زندانی است.

قرار زندان (صادره از سوی بازپرس): 21 سپتامبر 1991 (30 شهریور 1370).

متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

3- زین العابدین سرحدی

متولد سال 1966 (1344 یا 1345 شمسی) در بیرجند - ایران.

فرزند محمد و لیلا عبداللهی.

در بازداشتگاه "فرن" زندانی است.

قرار بازداشت بین المللی: 23 دسامبر 1991 (2 دی 1370).

بازداشت موقت: 23 دسامبر 1991 (2 دی 1370).

استرداد: 25 مه 1992 (4 اردیبهشت 1371).

قرار زندان (صادره از سوی بازپرس): 26 مه 1992 (5 اردیبهشت 1371).

متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

4- فریدون بویر احمدی

متولد در تاریخ 25 مه 1953 (4 اردیبهشت 1332) در کهکیلویه (ایران).

متواری.

آخرین نشانی هائی که از وی در دست است: شماره 2 کوچه گواو 51000 رنس و شماره 31 مکرر کوچه ژان پیر تئبو در ایسی - له - مولینو (92).

محل اقامت فعلی او در دست نیست.

قرار بازداشت: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370).

متهم در ارتکاب قتل ها.

5 - مجهول الهویّه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده

متولد 21 مارس 1960 (اول فروردین 1339) در گلپایگان (ایران).

دارای اسامی مستعار علی حیدر کیا:

متولد در 4 ژانویه 1958 (14 دی 1337) در وارنو (ترکیه)

و ناصر نوریان:

متولد در سال 1958 (سال 1337 یا 1336 شمسی) در تهران (ایران)

متواری.

آخرین نشانی محل اقامت وی: هتل پرنانتیا، بولوار دوگریل پلاک 142، 15-75 پاریس.

نشانی فعلی وی در دست نیست.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 14 اوت 1991 (23 مرداد 1370)

متهم در ارتکاب قتل ها.

7 - مسعود ادیبسوی

متولد در سال 1960 (سال 1339 و یا 1338 شمسی) در تبریز (ایران)

فرزند فللمت و فاطمه

قبلاً در باغچه لی اولر کوره کوتو سوکاک گوموش، آپارتمان 1.7 (ترکیه) اقامت داشته است.

متواری

قرار بازداشت: 8 سپتامبر 1992 (17 شهریور 1371)

متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

(صفحه 41 متن فرانسه)

شماره 94/00627

8 - ناصر قاسمی نژاد

متولد در سال 1960 (1339 و یا 1338 شمسی) در آبادان (ایران)

مقیم ایران - نشانی محل اقامتش در دست نیست.

متواری.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 21 آوریل 1992 (1 اردیبهشت 1372).
متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

9 - غلامحسین شوریده شیرازی نژاد

متولد در 20 فوریه 1950 (1 اسفند 1328) در آبادان (ایران)
مقیم ایران - نشانی محل اقامتش در دست نیست.

متواری.

تاریخ صدور قرار بازداشت: 21 آوریل 1993 (1 اردیبهشت 1372).
متهم به معاونت در ارتکاب قتلها.

بازداشت نموده و به زندان دادگاه جنائی پاریس که طبق مفاد ماده 6،698 آئین نامه دادرسی کیفر
تشکیل یافته است منتقل نمایند.
(دادگاه) اظهار میدارد که:

- مجهول الهویّه ای که خود را به نام وکیلی راد معرفی کرده و دارای اسامی مستعار موسی
کوثر و امیر کمال حسینی نیز هست.

- مسعود هندی

- زین العابدین سرحدّی

- فریدون بویر احمدی

- مجهول الهویّه ای که خود را به نام محمد آزادی معرفی کرده ولی به نامهای مستعار علی
حیدر کیا و ناصر نوریان نیز هست.

حسین شیخ عطار

مسعود ادیبسوی

ناصر قاسمی نژاد

غلامحسین شوریده شیرازی نژاد

بمنظور پاسخگویی درباره جرم وابسته ای که در سطور بالا درباره آن توضیح داده شد به دادگاه
مزبور احضار خواهند گشت.

دستور داده می شود که حکم حاضر زیر نظر آقای دادستان دیوان کشور به مور اجراء گذاشته شود.

رئیس دادگاه

(امضاء)

(رونوشت برابر اصل است)

رئیس دفتر دادگاه
(امضاء و مهر دادگاه استان پاریس)

ترجمه حاضر در تاریخ 9 اوت 1994 (برابر با 18 مرداد 1372) در پاریس انجام گرفت.